





انشاء الله

صفحه  
بسم الله الرحمن الرحيم

مرحبا بكم في بيتكم  
بسم الله الرحمن الرحيم

صفحه  
بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم  
بسم الله الرحمن الرحيم

صفحه  
بسم الله الرحمن الرحيم

صفحه  
بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم  
بسم الله الرحمن الرحيم

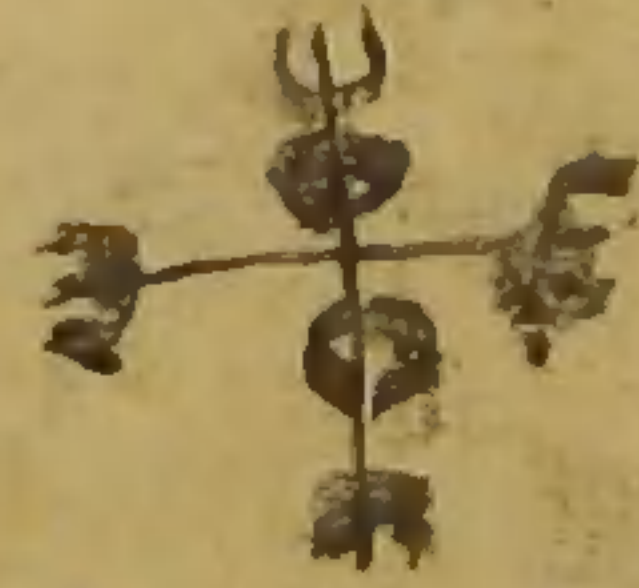


الحمد لله الذي جعلنا من خلقه

اللهم انك كنت كتبنا سعداء فاثبتنا  
وانك كنت كتبنا اشقياء فاحسننا  
واكتبنا سعداء فانك نعمنا نشاء  
وتثبت وعندها أم الكتاب

برأت كچه سي او فنا جو دعا در

والتبت وعندها أم الكتاب  
برأت كچه سي او فنا جو دعا در  
والتبت وعندها أم الكتاب  
برأت كچه سي او فنا جو دعا در  
والتبت وعندها أم الكتاب  
برأت كچه سي او فنا جو دعا در



بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي جعلنا من خلقه







505



الشفاعة لله

صفحه  
بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على سيدنا محمد  
الطاهر المصطفى وآله الطيبين الطاهرين  
الطاهرين الطاهرين

صفحه  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على سيدنا محمد  
الطاهر المصطفى وآله الطيبين الطاهرين  
الطاهرين الطاهرين

صفحه  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على سيدنا محمد  
الطاهر المصطفى وآله الطيبين الطاهرين  
الطاهرين الطاهرين

صفحه  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على سيدنا محمد  
الطاهر المصطفى وآله الطيبين الطاهرين  
الطاهرين الطاهرين

صفحه  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على سيدنا محمد  
الطاهر المصطفى وآله الطيبين الطاهرين  
الطاهرين الطاهرين

صفحه  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على سيدنا محمد  
الطاهر المصطفى وآله الطيبين الطاهرين  
الطاهرين الطاهرين





٢٥٤





پرواز چهره از سر که آفتاب کن  
هر لوبی برقی حسن آینه آب کن  
دست نزن بترکش بر دیده سرکش  
بایی بزرگ کل زن و دستی خضاب کن  
افوشن غنچه و اکن و صد پیرهن بیال  
نرگس بر بیکر زده و یک چشم خواب کن  
کستار ز کشت دیده و دل بی ناملس  
این هر دو سال ز هجره سوزان کتاب کن  
در نیم از حیا نتوانیم بکام دید  
ای شوق شرم و ز علاج حجاب کن  
ای دل میان سین و پستان دلبران  
جایی برای خفتن ما انتخاب کن  
دل را ندیده خانه مهر تو سبب ختم  
اباد اگر نگاه نداری خراب کن  
روزی که میرسی حساب استمکشان  
از دوستان شمرده مرا هم حساب کن

ناهی اگر چه نامی ازین خال دان کن نشست  
کامی بجاست دیده خود کامیاب کن  
کامی جو میرد بپشت این نیکو غزل  
با خط بکشد بگفته ما یا جواب کن  
بوق حسن منظر آفتاب کن  
اور از جوشن شعله صحت نقاب کن  
بکفله باد و ناخواب هیچ و آنشد  
نامکن است چهر نفس چون حجاب کن  
از خار خاب و آسوده کی چه جواب  
خواهی نوبت ترنس و طر بامه خواب کن  
غافل مشو ز نرم شانه جوا و قیل  
صد روز را فدای شب ماهتاب کن  
چون صورتی بر خست یکبوه رونمود  
از انتخاب سین و پستان حجاب کن  
آن لذتی که داشت لبست هر چه داد  
در کار شور ذایقه شکله ناب کن

نقشه کامی

نقشه سال

زان بپشت که نجم نو آرد سوی و بال  
چند آنکه ممکن است شرف الکتاب کن  
قدر برای عشق و نجیب و آشنیده  
زلفت بیار و دقت و آفتاب کن  
کامی برای تحفه نامی نظیره  
از آغوش طبع نادره انتخاب کن  
از فیض نظم انیس آفتاب کن  
انرا در آب و آب تو بر اضطراب کن  
اسرار خنده در دهن غنچه منمود  
مهر سکوت قفل در هر عتاب کن  
از آفتاب نار عشق و بسوز غصه هوا  
خوبی قطره های ساغر در آفتاب کن  
نشایان صحبت است زیبا رنجبید  
از دیده بگذری دیده من را خطاب کن  
ای که می طلبی خواب وقت آری  
غفلت بروی دیدن فرصت حجاب کن  
شرم از علاج شوق نباشد و آنزیر  
تعبیر عرض مطلب خود انتخاب کن

امشب غبار مقدم آن نور دیده بی  
کحل جلای من و مک ماهتاب کن  
بکشای ای صبا لطف اش و لم  
ایمن خیال کشم کشن حج و آب کن  
مهری زان نه دیده و مرد کبریا  
ای آفتاب حسن بر آبی نقاب کن  
هک که زان نامه و شستن کنی خیال  
لوح بیا ضر دیده و من الکتاب کن  
گر سف زلف و خامه زانکشت را سباز  
وزد و آه عاشق کویان ز کتاب کن  
ساله یابین نظیره جوف و آن  
برامثال موجب امرش انتخاب کن  
آن آصفی که مهر و شایش  
زین آفتاب فیض شرف الکتاب کن  
خواهی اگر ز وصف شرفش رقم کشی  
ریک نوشته ز سر که آفتاب کن  
جد و ز نور با صبر آن نقطه من و مک  
درج خلوص محفظه این کتاب کن



ببر پاک آیت مقصود بنکری کن  
وز بابت بال روح قدس ترک خواب کن  
هر صبحگاه فیض اجابت ازین دعا کن  
لبسین کوش و کوش و هفت این قیاب کن  
بار بهیشت نامه رسان ملوک را  
از رویال خاک درفش کامیاب کن  
یعنی اسمان تبارک اقبال سایه باد  
بار دعا شام و صبح مستجاب کن  
دستی رسیده ترک سوی جامد خواب کن  
صبح از جمال پاک تدا کامیاب کن  
مهر از حجاب نظیره بدید سحاب کن  
بق حسن منظر افتاب کن  
اور از جوش شعله صاحب نقاب کن

ندید پاک رای حکیمی خطا نشد  
هنگام ازین ملاخطه باشد خواب نشد  
بد کرد افتد از دهن بد دوا نشد  
یا عقد باد و آخن لب هیچ نشد  
تا مکنست جبر نفس چون حجاب کن  
دلا خیال زلف تبا چون در اضطراب  
کار شد همیشه اندوه بسیار  
کاشن بچشم مضطربان کاشن عذاب  
از خار خار سینه جدا سودی جبه خواب  
خواهی زبرک نرگس و گل جامد خواب کن

دل اگر رسد چشم بود صادقی نبود  
کحل قناعه تاب دهن دیده را ز سود  
ای بوالرهن در آینه بی مثال خود  
چون صورتی بر خست یکدیگر ز نمود  
از انتخاب سیز و بستان حجاب کن  
اسرار وضع در شب فیض به حساب  
وزهر ستاره پیکر است چشم التماس  
مجلس بطرح عقد تیا کن انتجاب  
غافل مشو ز بنم شبانه چو افتاب  
صد روز را فدای شب ماه تاب  
سند ز مشک زلف ترا یافت زک و بو  
می در قدح زعل لبت یابد آب رو  
خواهی برای تجربه تحقیق آرزو  
از لذتی که داشت لب هر زو  
در کار شور ذائقه شهد ناب کن

تالی محاق چهل کنی موقف زوال  
شو قبله اشارت سیاه چون هلال  
از طوق علم دار جود هاله کمال  
زان پیش تر که بود آرد سوی و آل  
چندانکه ممکن است شرف اکتساب کن  
این وام آرزو که بوصلت اد آ شده  
کس نشد بدین مقابله جبر اد آ شده  
دام شکنج طره رسید جفا شده  
قدر برای عشق نبهیر و آ شده  
زلفت یار و دفتر ما را حساب کن  
دل را چو کرم تاب لطافت شد از هوا  
سالم هفت طرف از یادنا سیرا  
کامیاب چیده از چمن کاشن دا  
کامی برای تحفه نای نظیره را  
از باغ طبع نادره را از انتخاب کن







تاریخ چشمه جدید در قریب تستانه جیل

دره التاج سعادت شمع برج سالطنت  
دختر سعد اختر خان احمد جرج استان  
فاطمه سلطان عالی شان زهر خلقت که  
عمرین افروز این اجله ایله رت مستعان  
کتد ابانوسرای دولتی آشوب قادیان  
اولدی سلطانی کی جویای خیرات حساں  
منله طرح افکن بنیاد اولوب حومه یه  
حق بولنه مالی بذل ایلدی فی امتنان  
زیب آراستله ویردی اوله آب و تاب کیم  
دیر عاشا ایلوب نوش ایلر کن تشکال  
عیدی و آب حیالک یا ایاهی کوثرک  
سبیل باغ جنتلد یاقسیم جنان  
موقعه بوله خرا اولزمی شرب هر کسه ن  
حسن و توفیق مخلص قلبه مبدی درها  
حق تعالی ایلوب تایان درگاه قبول  
مصدر آثار خرا اید و حودین هر زمان

اولدی زیبا چشمه اشق بدک زخم زان

تا بنیادیم ستایشش برله تاریخین کور و ب











برکته بود دعاء مذکور است این که  
ایمان ایله کنه سبیلر اللهم  
صلی علی سیدنا محمد کما لا تنها لکمالک  
وَعَدِ کَاله

برکته مجوس اولسه و اجود غیره  
مراد آید چون بود دعاء برکات بارو  
بر آفرین ایچنه برغه هنه مراد  
و اربیه و اوله به الله الرحمن الرحیم  
من العبد الذلیل الی المولی الجلیل  
انی مستی الضن و انت ارحم الراحمین  
اللهم بحق محمد و الیه محمدا کشف ضری  
وهی و فرج عینی م

جزین قیبر سن مد فون صحابه رسول  
اللهم انهم احرارم حضرت لربنیک زوجی  
صحابه کونیدن عبادة ابن الصامت  
حضرت لربد م



Handwritten text in Arabic script, likely bleed-through from the reverse side of the page. The text is arranged in several lines and is mostly illegible due to fading and blurring.



اولشم پر حسنہ مفتون  
بکرمه قان ایلده پر حوت

دعای التَّوَهُّدِ نورِ انجورینی  
نورِ جسم جان و دعا لرستی

اندی عشق بنی خون  
کل اندر کل قیمه کل

حقّه اصولی و هر امری  
قبض عشقند دل نهان او تو

ندروی و فالقاره  
درو آشتا القار

آفت دوم را نیز از غده بینی  
بیرون می آید و مانند آفت دهان اولی

نذر بوسنا اقبال  
كل افندى كل يومه

چوقا آررسن بی بر زمان اولور  
شمدیك سلطان دغا ارسینی

بنی هر که یاد اندامش  
نه گوید مردن نه شاد اندامش

عمر مک حاصل کو کلمہ سوری  
حقر مدد خاطر دن بوم بھورتی

رقم مراد ایندک  
کل افند کل فید فید کل

چکر گوشم جان کوز و مک نوری  
سرو حرامانزد عالم سینی

من غریبه باشم ای محب  
فیروز گمان فاشم ای محب

غمد كل محتوي غرب اولور سه  
واي الارادة رقيب اولور سه

اسیر کے کچھ ہائیکے لیون  
کل افندہ کل فیہ فیہ کل

بند کوروش و شوزر نصیر اولوسه  
ای شده خوبانر دعا نرسینی

فصل باقی

نورون نه صفون و نه صفون  
نورون نه صفون و نه صفون

[illegible]

بگویند باقیه کتب  
 یا ناسنویسند  
 و در خلافت نینان  
 فقهیه مع اندام  
 فتح نه شمار  
 ای

فدو کلان ندر  
رسمه نادر  
لک و سه  
صنایع  
نور

و فضل درك بر سلطان سلیمان را  
رفاقت و دوستی با فیاضی نفی نیست  
و دوست دخی هوشت در سب بود درك

فی بی نفی بلد اسکرد او ردیت  
فی نه غم عزایا بد نفی بلد او ندو غم

ای بابی نو و رستگاری جهان بابی دکل

ملك سلما

هرگز نی قداخست او قار ویز

فرد  
نخاسته صومعه و ذی اصل اوله قدم  
سازنده

















توقه تمام

حالی سر شکور دیو کوی دانه  
یار یار کوی دانه

دل و بر دیو انده بر کوی خضر کافه  
یار یار کافه

بریه کلدی قشیری آتیدی مشاوه  
یار یار مشاوه

اشاقه کوی کنیه قصدی و آری  
یار یار قصدی و آری

غم حایلو مد بر آتیدی سلمی محاصر  
یار یار محاصر

مفرد

توقه تمام

سونه مستانه کوزونی  
اشته شین سوندونی  
بریم کور و بریم کوزونی  
خدا آتندن نه کوزونی

نوش ایدنلر نجیه قندی  
یوسفک مانیدی کندی  
خدا آتندن نه کوزونی

دیار قی کلمسون  
اول ماهه یقین اولسون  
سینه به صابر اولسون  
خدا آتندن نه کوزونی

قرار اتمز ایدر دم و حیسم تون ناز  
ندرکات باغه غالمده کل ای مرچون  
برصاعت غیتانیم ایغن طور انیم یاریمینی شاهما قویوب کمدک بلا کندن اکر  
کواسنده بر کل اچلمشیر ناک یار ایلو بکاور رسم بوچرخ یامان شیز



البريد  
البريد



افقدم وفالی کرکدر حبیب  
وفالی اولیحق بر اثر طبیب  
کرکدر بر اثر بکا اول نصیب  
حبیب طبیب نصیب عزیز

دوشمراول شوخه کیم هرگاه اید استغنا  
گاه اولو عاشق شیدا بد دوشمراستغنا

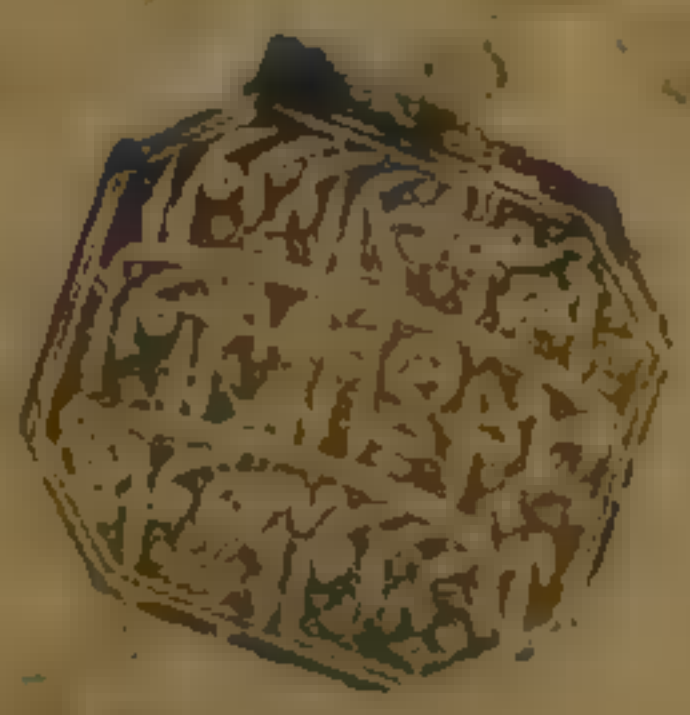
مشکل عاشق بی وفایه  
اجتنق اولن دوعزیه  
زحمت راضی هر حقبا به

بهجهت قبال لامع العی ان شان  
بهجهت اقبال لامع العی عبان نشا



فصل در بیان  
تأثیرات  
و اثرات  
و فواید  
و منافع  
و برکات  
و جلال  
و شرف  
و کرامت  
و عظمت  
و جلال  
و شرف  
و کرامت  
و عظمت

برقش  
سماوات





ایا که کل تولدی سگانه عجب مردی او غراده  
دو مزاق کوز مرایشی ایلوق غمده او غراده

بجدی غمدم کینا تله کتور  
دست ائیده کومدی دفتور  
قد و بلندی  
فعلن فاله کینه  
زکریا و اولادین  
ایضا  
سرمه ای بر سر کلاه  
عقل و نغایه و بر سر کلاه  
میه خالین و شمع  
نعل و لادن و شمع  
نار و شمع و شمع  
موی و شمع و شمع  
افغان و شمع و شمع  
عالم و شمع و شمع  
میر و شمع و شمع  
یکایه و شمع و شمع  
یکایه و شمع و شمع  
ایضا

مانند

ایده اولدم مانع من فاله ای بار الودع  
سکینچون نجلیشم کو کلمی وودم سکاد ورسون امانت سود کیم  
کلون سبات ایدر ایسم اینه انکار الودع

ایند وکم چوقا رسکا بوزیک جفا و کوناه بن  
ایند وکم چوقا رسکا بوزیک جفا و کوناه بن  
ایند وکم چوقا رسکا بوزیک جفا و کوناه بن

ای کوز للز بادشاهی کل خدایک عشقنه  
مرحمت قبل باصفای جبار بارک عشقنه  
ای کوز للز بادشاهی کل خدایک عشقنه

در که بو عاشق عمر کلای خاتقن بک صدا  
ای در بغا و بو بزدن الودع شدک جفا  
مانع اسن سن بریکان بریکار الودع

نه کواده دار انسم کو که بر نمانیت  
نوبله بر بزرگ دیر انسم کو که بر نمانیت  
ایضا

ایضا  
بنا خاضعی صغری عرض غلک دکا بر غیل افشار انسم کو که بر نمانیت  
ایضا



باشتم خوب بود و اغارده دورم مسکن  
و در تو غباری بروراند و کما از آن نینی  
هسب غباری نور و بارانسم و کما غایت

ساقی و در آن لادن چون اجل جانم کجوب  
مسئله بقتل آید کند و بوفایان سمجوب  
قاره برده و فراتسم کما غایت

فاش و عمر  
و آخر تازه فصل آید خفاش امیش سبک  
بگو کلار و غریب قلش امیش سبک  
مرحمت سرفات بغری طاش امیش سبک

سینه جاک کاکل ایشان کو سبک و نادامر  
کونا بیک ناه ان لادن سن الو سبک  
حاصلی شد ایسین ان بو قدر و سلفک  
انصاف نا اهل در عرفان و قدر و سلفک

اشتیق صاد قلوه بردان و قدر و سلفک  
ادبک نقشین لور نقاش امیش سبک  
اشتیق عمر محک و نور و سبک  
اشتیق در دنیا خوش و نور و سبک

و اسنانی عالم سن فاش امیش سبک  
و اسنانی عالم سن فاش امیش سبک

بجای دلبری دل ناله اولش و لاش  
جیان سبک میل اندای سبک  
شد بیک عاشق سبک کردن  
حاجه نکستی بیک افتادن اولش و لاش

دلبر او کش براتش سبک خلاق ازل  
کیمسه رخ المیز سبک یور هی غر کوزل  
شمع رخسار کیمه و سبک  
و ذالیم عالم فوری و انک اولش و لاش

بیتق فایم خانه سنی ای بری عالی مهم  
حاجه سبک و سبک و سبک  
دولتکده بفسیر و برانک اولش و لاش

جیلد سبک بر مندا ای سبک و بر  
جیلد سبک و بر مندا ای سبک و بر  
جیلد سبک و بر مندا ای سبک و بر  
جیلد سبک و بر مندا ای سبک و بر

اشک استات المیم مستانه اولش و لاش  
اشک استات المیم مستانه اولش و لاش  
اشک استات المیم مستانه اولش و لاش  
اشک استات المیم مستانه اولش و لاش

و در تو غباری بروراند و کما از آن نینی  
هسب غباری نور و بارانسم و کما غایت  
ساقی و در آن لادن چون اجل جانم کجوب  
مسئله بقتل آید کند و بوفایان سمجوب  
قاره برده و فراتسم کما غایت  
فاش و عمر  
و آخر تازه فصل آید خفاش امیش سبک  
بگو کلار و غریب قلش امیش سبک  
مرحمت سرفات بغری طاش امیش سبک  
سینه جاک کاکل ایشان کو سبک و نادامر  
کونا بیک ناه ان لادن سن الو سبک  
حاصلی شد ایسین ان بو قدر و سلفک  
انصاف نا اهل در عرفان و قدر و سلفک  
اشتیق صاد قلوه بردان و قدر و سلفک  
ادبک نقشین لور نقاش امیش سبک  
اشتیق عمر محک و نور و سبک  
اشتیق در دنیا خوش و نور و سبک



Handwritten text in Arabic script, likely a manuscript or a page from a book. The text is written in a cursive style and is arranged in a single column, reading from right to left. The ink is dark, and the paper appears aged and slightly discolored. The text is dense and fills most of the page.













Handwritten Arabic text in a cursive script, covering the right page of the manuscript. The text is arranged in several columns, with some lines being more prominent than others. The ink is dark and the paper is aged.



غزل

وای فوت اوله جهانان بولیه بر کج صفت  
حضرتی نغان در اول هر عظم نور صفت

کندی بودی فنادن شدی اول کج صفت  
جنان اعلاد و مکانی حور بر خدام اکا

نک ایلد و بی قناتک جیفه منهنه سون  
اچون خجانی مانی هیچ خیانی نیله سون

اول تنی نیل فوتن غیره دنیا نیله سون  
جنت اعلاد و مکانی حور بر خدام اکا

لطف حق ایله جهانان بو نیجه غان ایلدی  
دولت دار نیله الله کندن اغنا ایلدی

همچونی داری فنادن جیم نیل ایلدی  
جنت اعلاد و مکانی حور بر خدام اکا

فرقت کدن بی غمل اهل اولادک بو کون  
ای اقدام جمله ناچار قالله انباءک بو کون

قندالی بی کس اوله جمله خلق اغلو بو کون  
جنت اعلاد و مکانی حور بر خدام اکا

اول خدا و بر سون اقدام اغلو نه هم  
خبر یله اوج طو و الوین دخی و بر سون حلی

آل آجوب نطق ایت رفی اکر و بر سون صدق  
جنت اعلاد و مکانی حور بر خدام اکا

دوست اودر کدیو کدند دوا اوله  
شان لفق هر کوم اولسه دوا اولور

اسکی عجز آرزو ایلر خا طردن دوا  
یکی یار آفرینش با شنی اچون سلطه



عزیز و عزیز  
کتابخانه

کتابخانه  
کتابخانه

کتابخانه  
کتابخانه

کتابخانه  
کتابخانه

کتابخانه  
کتابخانه

کتابخانه  
کتابخانه

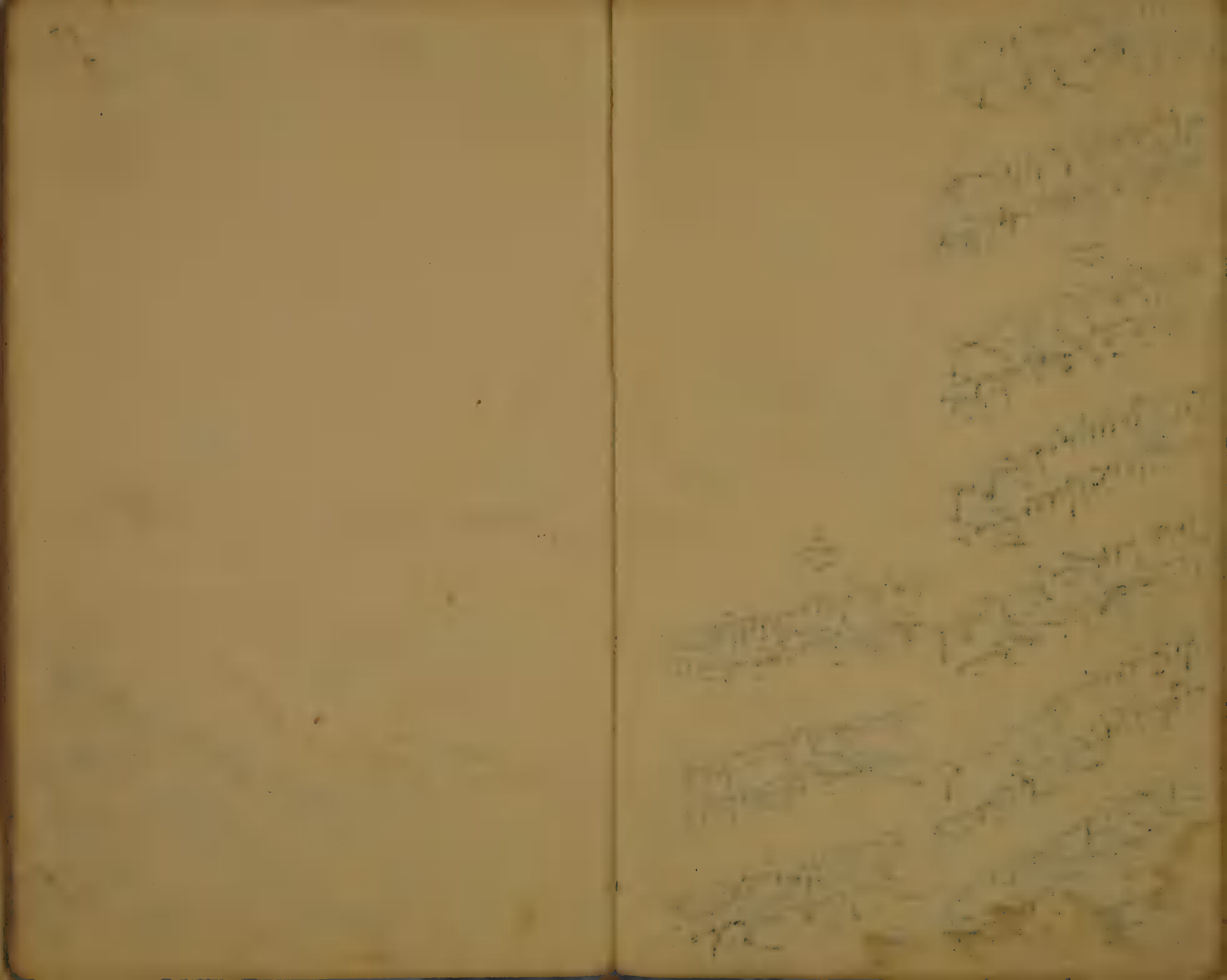
کتابخانه  
کتابخانه

کتابخانه  
کتابخانه

کتابخانه  
کتابخانه

کتابخانه  
کتابخانه







بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين  
الطاهرين



روزگار خجسته  
نعمت فاضل

[illegible]



[illegible]







فصل طرق کسب کونوی بیان آید

یوم چهارم  
و شش روز

یوم الاحد یوم الاثنين یوم الثلاثاء  
روز یکشنبه روز دوشنبه روز سه شنبه

یوم الخمس یوم الجمعة یوم السبت  
روز چهارشنبه روز جمعه روز شنبه

یوم چهارم  
و شش روز

یوم الاحد یوم الاثنين یوم الثلاثاء  
روز یکشنبه روز دوشنبه روز سه شنبه

یوم الخمس یوم الجمعة یوم السبت  
روز چهارشنبه روز جمعه روز شنبه

تراش اولی کونوی بیان آید

یوم چهارم  
و شش روز

یوم الاحد یوم الاثنين یوم الثلاثاء  
روز یکشنبه روز دوشنبه روز سه شنبه

یوم الخمس یوم الجمعة یوم السبت  
روز چهارشنبه روز جمعه روز شنبه

یوم چهارم  
و شش روز



*[Faint, mostly illegible handwritten text in Arabic script, likely bleed-through from the reverse side of the page.]*

رفع اعدايجون وظالم شردن امين اولق ايجون مداومت ابلية  
يادافع يانافع يامعين اياك نهد واياك نستعين ولا حول ولا قوة  
الا بالله العلي العظيم قال الشيخ الامام محمد بن علي بن حكيم التومندي رآيت  
ايت القرية في المنام ألف مرة وقلت ربي اني اطلب من زوال الالبابان فامرني  
ربي في كل يوم مرة بهذا التسبيح بين سنة الفجر وبين القرينة بسم الله يا حي  
يا قويم يا بديع السموات والارض يا ذا الجلال والاكرام اللهم اسئلك ان تجعل  
قلبي نور معرفتك يا الله مرحوم شيخ ابراهيم خرتون دن منقول در نود البلاء بعد الفجر  
يادافع يانافع يا الله

بركسد او قود و غنى حفظ ائمن عجزى اولسه  
بود غاى اخشامده و ضاحده او جررة او قويه  
اللهم اجعل قضى طمته تؤمنوا بآياتك وتقع  
بعطائك اللهم ارزقني فهم النبيين وحفظ المرسلين  
والهام الملائكة القربين برحمتك يا ذا الرحمة  
دفع سود الجحون صاح نازندن صكره بوزيش كره او قويه بسم الله الرحمن الرحيم  
وله ما سكن في الليل والنهار وهو السميع العليم







روينا في سبيل أبي داود والترمذي وابن ماجه عن عباس

حديث حسن صحيح ابن أبي الدنيا عن أبي عبيدة أنه











۱۰۰  
 ۱۰۱  
 ۱۰۲  
 ۱۰۳  
 ۱۰۴  
 ۱۰۵  
 ۱۰۶  
 ۱۰۷  
 ۱۰۸  
 ۱۰۹  
 ۱۱۰  
 ۱۱۱  
 ۱۱۲  
 ۱۱۳  
 ۱۱۴  
 ۱۱۵  
 ۱۱۶  
 ۱۱۷  
 ۱۱۸  
 ۱۱۹  
 ۱۲۰  
 ۱۲۱  
 ۱۲۲  
 ۱۲۳  
 ۱۲۴  
 ۱۲۵  
 ۱۲۶  
 ۱۲۷  
 ۱۲۸  
 ۱۲۹  
 ۱۳۰  
 ۱۳۱  
 ۱۳۲  
 ۱۳۳  
 ۱۳۴  
 ۱۳۵  
 ۱۳۶  
 ۱۳۷  
 ۱۳۸  
 ۱۳۹  
 ۱۴۰  
 ۱۴۱  
 ۱۴۲  
 ۱۴۳  
 ۱۴۴  
 ۱۴۵  
 ۱۴۶  
 ۱۴۷  
 ۱۴۸  
 ۱۴۹  
 ۱۵۰  
 ۱۵۱  
 ۱۵۲  
 ۱۵۳  
 ۱۵۴  
 ۱۵۵  
 ۱۵۶  
 ۱۵۷  
 ۱۵۸  
 ۱۵۹  
 ۱۶۰  
 ۱۶۱  
 ۱۶۲  
 ۱۶۳  
 ۱۶۴  
 ۱۶۵  
 ۱۶۶  
 ۱۶۷  
 ۱۶۸  
 ۱۶۹  
 ۱۷۰  
 ۱۷۱  
 ۱۷۲  
 ۱۷۳  
 ۱۷۴  
 ۱۷۵  
 ۱۷۶  
 ۱۷۷  
 ۱۷۸  
 ۱۷۹  
 ۱۸۰  
 ۱۸۱  
 ۱۸۲  
 ۱۸۳  
 ۱۸۴  
 ۱۸۵  
 ۱۸۶  
 ۱۸۷  
 ۱۸۸  
 ۱۸۹  
 ۱۹۰  
 ۱۹۱  
 ۱۹۲  
 ۱۹۳  
 ۱۹۴  
 ۱۹۵  
 ۱۹۶  
 ۱۹۷  
 ۱۹۸  
 ۱۹۹  
 ۲۰۰











دیکله امدی ایدین بر بر بیان  
نیجه مشکلا اوله سکا عیان

چونکه اوله ای شها اول بهار  
بریزی معمود اوله لیل و نهار

جمله اشجار و جن بوله حیات  
هیکاله ابریشمه جمله نبات

الکون خستین کلوب انبساط  
حکماز ابر صغیر اوله ملول

کجه خستند دلافرق کون اکر  
مان کاوز ابریشی کون کبر

کجه مان نک طغوزی اوله اونی  
هم اولور بینه بی کون نوروز کونی

ایضا

اوله نوروز کون بکرمی و لم  
ابریشی نیکلنک اوله

اوله نیکلنک بکرمی اکیسی  
خضر الباس کونید ریل ابریشی

اولک ک طوغه سین دیرسک اکر  
روزی خضر ک بکرمینک دغور

اندن اوتوز کون الیچن هم دخی  
اول زمان کوز و نسیر دخی

کون دونوب الی کون اوله ای سپر  
اول کونک ابریشی اغستوس کبر

چون کجه اغستوسک اوتوز کونی  
بیل کربس کوز اینک اوله

ایضا

کوز ک الی القسی اوله عیان  
بوم فاسم اوله دیر لوهان

بوصا بدن حصه ال ای سونین  
فیلنارک اچ کونک فیلنارک کلن

هفر اوله نینه اول شنا  
اون اکیسی نهر دای آتا

زهری کبر و ک کون کون دوز  
هم کبری النسله اوت بایز

اوت بانوب اوت دوش کون اوله اچی  
اون شنجی کون خستین بی کان

اوت سکونی اوله خستینک اکر  
چون اولی هوا به چون دوش

ایضا

یدسی اوله تمام صوبه دوشنه  
هفته سندن صکر طبرغه دوشنه

چون ثالث تمام اوله هان  
امدی لقا اولور اولوزمان

چون طبرغه دوشیک ای عزیز  
کم اولور شنجی کون بر دی عجز

کجه بوند نضکون الی کون آبار  
چیفه فیلنارک اوله نینه اول بهار

م







بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله الذي هدانا لهذا  
ما كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله

والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين  
الطاهرين

أما بعد  
فإن من جملة ما  
يحتاج إليه العبد

من الأعمال  
أن يتوكل على الله  
ولا يثق بنفسه

وأن يرضى بما  
أمر الله به  
ولا يفتن في ما  
نهى الله عنه

وأن يذكر الله  
في كل وقت  
وأن يحرص على  
تكميل عمله

وأن يتوكل على الله  
ولا يثق بنفسه  
وأن يرضى بما  
أمر الله به

وأن يذكر الله  
في كل وقت  
وأن يحرص على  
تكميل عمله

وأن يتوكل على الله  
ولا يثق بنفسه  
وأن يرضى بما  
أمر الله به

وأن يذكر الله  
في كل وقت  
وأن يحرص على  
تكميل عمله

وأن يتوكل على الله  
ولا يثق بنفسه  
وأن يرضى بما  
أمر الله به

وأن يذكر الله  
في كل وقت  
وأن يحرص على  
تكميل عمله

وأن يتوكل على الله  
ولا يثق بنفسه  
وأن يرضى بما  
أمر الله به

وأن يذكر الله  
في كل وقت  
وأن يحرص على  
تكميل عمله

وأن يتوكل على الله  
ولا يثق بنفسه  
وأن يرضى بما  
أمر الله به



*[Faint, illegible handwriting, likely bleed-through from the reverse side of the page.]*



*[Faint, mostly illegible handwritten text in Arabic script, possibly a list or account.]*

قوله  
في  
الكتاب  
الذي  
هو  
الكتاب  
الذي  
هو  
الكتاب

في  
الكتاب  
الذي  
هو  
الكتاب

في  
الكتاب  
الذي  
هو  
الكتاب

*[Blank page with faint vertical lines and minor smudges.]*















وروى النسائي انه صلى الله عليه وسلم لم يرقية بريد وغواها  
 الا قال حين رايها اللهم رب السموات السبع وما اضللت  
 ورسلا ارضين السبع وما اقللت وربي الشياطين وما  
 اضللت وربي المرباع وما زلت فان استكفيت غير هذه الابد  
 وخير لعلها وخير ما فيها ونفوز بك من شرها وشر اهلها  
 وشر ما فيها ويقول اللهم اجعل فيها اقرا  
 ورن قاصدا . نقل من شرح هداية

لابن القيم  
 م



نور علی

اگر کسی بر دل او لیسون کرد نشاید چنانچه او لیسون  
سنگ عاقل شود و کوز لرد و لرد با او چو ای مهر و  
نمی شود و کوز لرد و کوز لرد و کوز لرد و کوز لرد  
کوکل میل المیز عین اکو بوی یک جوان او لیسون  
نزدیک او می باشد و او را لیسون و او را لیسون  
محلک و نیش عینم همان و لیسون و لیسون  
نیم چگون و نیش عینم همان و لیسون و لیسون  
جهانک ای صبحی ای کوز لرد و لیسون و لیسون  
کل ای یوسف منال و نیش عینم همان و لیسون و لیسون  
که نیش عینم همان و نیش عینم همان و لیسون و لیسون  
نیم چگون و نیش عینم همان و لیسون و لیسون  
اگر کسی بر دل او لیسون کرد نشاید چنانچه او لیسون  
سنگ عاقل شود و کوز لرد و لرد با او چو ای مهر و  
نمی شود و کوز لرد و کوز لرد و کوز لرد و کوز لرد  
کوکل میل المیز عین اکو بوی یک جوان او لیسون  
نزدیک او می باشد و او را لیسون و او را لیسون  
محلک و نیش عینم همان و لیسون و لیسون  
نیم چگون و نیش عینم همان و لیسون و لیسون  
جهانک ای صبحی ای کوز لرد و لیسون و لیسون  
کل ای یوسف منال و نیش عینم همان و لیسون و لیسون  
که نیش عینم همان و نیش عینم همان و لیسون و لیسون  
نیم چگون و نیش عینم همان و لیسون و لیسون

انجا

و نیش عاقل عمر

ای کوز لرد و لرد با او چو ای مهر و  
نمی شود و کوز لرد و کوز لرد و کوز لرد و کوز لرد  
کوکل میل المیز عین اکو بوی یک جوان او لیسون  
نزدیک او می باشد و او را لیسون و او را لیسون  
محلک و نیش عینم همان و لیسون و لیسون  
نیم چگون و نیش عینم همان و لیسون و لیسون  
جهانک ای صبحی ای کوز لرد و لیسون و لیسون  
کل ای یوسف منال و نیش عینم همان و لیسون و لیسون  
که نیش عینم همان و نیش عینم همان و لیسون و لیسون  
نیم چگون و نیش عینم همان و لیسون و لیسون  
اگر کسی بر دل او لیسون کرد نشاید چنانچه او لیسون  
سنگ عاقل شود و کوز لرد و لرد با او چو ای مهر و  
نمی شود و کوز لرد و کوز لرد و کوز لرد و کوز لرد  
کوکل میل المیز عین اکو بوی یک جوان او لیسون  
نزدیک او می باشد و او را لیسون و او را لیسون  
محلک و نیش عینم همان و لیسون و لیسون  
نیم چگون و نیش عینم همان و لیسون و لیسون  
جهانک ای صبحی ای کوز لرد و لیسون و لیسون  
کل ای یوسف منال و نیش عینم همان و لیسون و لیسون  
که نیش عینم همان و نیش عینم همان و لیسون و لیسون  
نیم چگون و نیش عینم همان و لیسون و لیسون

انجا

انجا

جکدی خوفان غمی نور نوادی فندک کندی روح  
چاره بوق بن بولغ مجری افکدن نجات  
کور جبالین نقشه عاشق عمر مایل کی  
عقل فکری هب بولندک حیدر سید مایل کی  
بوتون اکمش استانک بصلان نور سائل کی  
باشکچون و بر یکا احوال حسنگدن نیک  
دلبر و صالک مراد اندیکیه قلدر فامره  
بی وفا سین بی وفاد لاره اولر اعتماد  
قلدرک بچاره برده دمی لطفک شاد  
خلق عالم حیران اولدی شیب غدر کونم  
چشمه او یقور ارم اولدی شیب غدر کونم  
عالمی دندی فغانم گوشه کونم  
کجی دورندک یاز قلر بوجفا لره کونم  
اولدی کندی مرادم استون بر لطف شاد  
طبع مستغنی جفا بدینه دل شید ایسین

انجا

بانه در سنگم سگ نوادی ندن هر جابین  
هی نه ظالم رحمت سز سنجیدل هر جابین  
هیج ناویر اندی کندی سگ فریاد داد  
عشقکدیل بغلیبالدن بری بوجانیدن  
بکایار اولسون بولنمیان افندی صناع  
سین جفا فلقه بریر قوملک جککدن  
دوستلک انجق اولور حق الیسون عمر کد  
چونکه حویر جوی حقیقت راهنه کونم  
مزرک ایدوب جوی حقیقت راهنه کونم  
درهک بوعاشق عمر خفدن ججاب انیز مین  
باشک بوظلنه اضی مددر بیت العباد  
نطفه کل ای صبحی شایرین شکر حانوش  
المین اینیه فلان مجلا بوند در  
مشرده ای دل سودکان محبوب نریا بوند در  
عوضه کرمک غایریدن بی پاک و پروا بوند در  
بار اوله یارات اوله اغیاره اولر اعتبار

انجا



ایضا

از عشق انسان بکن دشوار اولی اعتبار  
 کلشیه اهل صفاده خان اولی اعتبار  
 غلبه لب انسانو اقل و بر در غنا بودند  
 اشتاق اینز اولی بزم ایا اندر  
 یونجه بر سوزی اشدی بعضی افسانند  
 جالشور عاشقارک منع استیکه جانانند  
 اولی قوی و سیاه مکار و علا بودند  
 غزه ناک سهریدر صد با سیم دلد و کم  
 کماهی شفقیدر اشک داید مسلد و کم  
 یوسفی کلادی دیر لور عالمین بلاد و کم  
 خانمی مری صلاحیت اند در بابوند و  
 عمری صندیک جور نندن اوصافو انجنور  
 اولی بخت و اندر کم شمع با نوب انجنور  
 سنی با انعم سکواندی صافور انجنور  
 باد اندر سم بکال ویرن فاشا بودند

نظم

دانش عاشق

دور بالر عقل فکرم صبر جانم الدیر  
 بقدر بلور مکی وجود و مخانم الدیر  
 هر یی بیک ناز بزم عشق ایوبی کل فلورین  
 بیای شورید و فاولد و فلورین بلاد و کم  
 بشکله بری و فاولد و فلورین بلاد و کم  
 اغلا و ب عاشقارک غریب کولدر مک  
 نیک بلاد و فصولار نیه فاقم الدیر  
 ضمه کن کاکل بویار نیه سن یاره زار  
 جکدر ب بوعاشقی بکسینه سن یاره زار  
 دزی بکینا کی بغا اند بویار نیه سن یاره زار  
 اول بر بلور بویار نیه سن یاره زار  
 بار اولور آدمی اولور اهی فغانم الدیر  
 نجع عظم جاک اولور فکرم برینیا اولور  
 جشمی سا حور لور کلونجیب حور با نم الدیر  
 در که بوعاشق عمر عشقک مناعین کورنیر  
 دیو و ب کل فلورین عمر مدن بکاسین صورت  
 در کلاهی کوز لور صافقک فاولد و کم

ایضا

ایضا

نبه اندن صکره بر لریکنا لالان اولور  
 صوندلر سیاه مست اند و لیجان اولور  
 جکله لور لالان سر بکسین فشانم الدیر  
 عشقه فایلد لکی یوق شهر ایچره باد لری می یوق  
 مست می یوق مجلسک لیم می یوق صافری یوق  
 غنچه دل ایلوب خاطر ایچون شاد اولور  
 باغک کلار می یوق کلشنک لبلا لری می یوق  
 کورنیز بر دلد کوطی کی کفتار الیه  
 سولدر می یوق جهانده لیم سولدر می یوق  
 سنگدن دل یکی با یستکی سیاهی لعل ایدر  
 افتاب فیض بخشای بلند فخر می یوق  
 چنقون ایکار معانی لیمز ارباب نظم  
 بونجه بجه کی بر مرد سخن پرور می یوق

غزل

نظم

نظم

شمار مژده عشقه فایلد لالان اولور  
 مست عشق مجلیس ایچون می ده وار صاعده وار  
 بچن مونسده اجل خاطر مر فند  
 کویچه کلارده وار کلشنک لبلا لری می یوق  
 فدل احسانبله دلاوی صفت کفتار ایدر  
 سولدر ساک لطفکله سوزد و اینورده وار  
 بک نظر ایحاکی زو سنک سیاهی لعل ایدر  
 کزلی بر نور صالر مرد بلند فخرده وار  
 روه لیدر یونیک ایکار معانی سولدر  
 بور سوخی نبد کز کی سخن پرورده وار  
 ادمی کلد فخری لطفکدن اخراج الیه  
 نامراد لیدر بیتی نامرد و محتاج الیه  
 ای دور بغا لیمز اولانازه نیم خوشمرد  
 سودیکم عمر نیم جانم امینم خوشمرد  
 بونجه آیام اولدیکم بوقد بغا فخر  
 بر خیر و بر ای صبا اول مه جبینم خوشمرد

دلیلی

ایضا



انجا

شنگه جور و خفا لوطم محزون المدي  
سر غني بن فخرنگ ليلامسي محزون المدي  
اسك كنه سر غني اظهار المدي  
باي سكا سر فد اولسون نوله باش اوسته  
جانم اسك سر شكا اولسون نوله باش اوسته  
بويجه دم و صلك غنا اولسون نوله باش اوسته  
دجيك بر كز بكا اولسون نوله باش اوسته  
كو كام النجه ازل تيدي اولسون نوله باش اوسته  
ليسن در اغيار ليله زوفي صفالاي بري  
غير با سته و فابا كه جفا لاي بري  
قيلدين بر مرجا اولسون نوله باش اوسته  
مانق مدن سكه كو كام اولسون نوله باش اوسته  
دربدر كيم صاد قات بار اولسون نوله باش اوسته  
نيل كي نرك الميك دو ستم دشري هيچ سكه

انجا

انجا

الاولدي انشا اولسون نوله باش اوسته  
سر غني بي سود بكم خلق ايجره عبرة ايلك  
خار لوب اغيار له قشوم غنى ايلك  
كوزكون اغيار له اولسون نوله باش اوسته  
قلبه بولوسكا اولسون نوله باش اوسته  
مارب مدد اول صوفه طار مي كوستر  
مشكي خنكي زلف سياه كاري كوستر  
قلما دي نيم زن قارنگ مجاليم كوستر  
جان و برمدن اول كوزلري بكار مي كوستر  
اغلتمه بني هويله دلاز مي كوستر  
موقدر كرمك محونه اصل كهايت  
بارو مي فغن الميه با خود بار مي كوستر  
چوقدر كرمك عبده اي خالق عالم  
بن سر غني با جيز كه خنكار مي كوستر

نتم

سر غني

جور انجه بكا كوزي اهو نيز اولدي  
اي صياري شب غموسي جبار و نيز اولدي  
ناهي اولمق فكر ي جبال كاله اجانم  
معينه نيم كليور اوخو نيز اولدي  
اغلتمه بني حسرت و صلكه خليم  
حون الوده در كوزدن افان صونيز اولدي  
اغيار الميه سن غشت دم زوق صفاد  
اندیشه غني بار بكا و غموسي كندر  
بانجه طاقت كوزه بوسر غني كندر  
برايكي دكلد رنكا اي بار بونيز اولدي

سر غني

لطف الميه بني باشكجنون جانم اونومه  
دلدن جفروب عكده ليله بجانم اونومه  
ار بيله كوزدن ابراغ انجه خليم  
ان كا هيله بر اسمي سلطانم اونومه

انجا

انجا

بركون كلور البتاك نيم عاشق زلدم  
حاطره دو نوب زلف بر ليشانم اونومه  
كل زحمه صار مرهم لطفكه طليم  
دل حسنه بيماري لقمانم اونومه  
بوسر غني و ش عاشق ديدار بونيز اولدي  
روانه صفين مهرود رختانم اونومه  
اولدي ناكاهه محبت بخون اندك  
فرانك اوله شدي فراغت بخون اندك  
رو چشي نكا هيله هلاك انسك اولور  
ششيره بود كلوا زيت بخون اندك  
رو اتمك ايدي عاشق زاري عرضك جو  
بوز كوسنروب ايا بكا الف بخون اندك  
يام اولمشيكن نبدكه اسي كوزلوي شكار  
ناحق بره شدي نيه وحشت بخون اندك  
عاشقن ايكن سر غني خلك ايچينك  
هرك الميه رسواي ملامت بخون اندك

نتم



ویش عارفی  
 کوز لارنشا سندن قیام  
 بیوقا در هم اولکم مینا سندن قیام  
 قدر عشقک بجز او کیم مینا سندن قیام  
 جلوه کارهی غمک کور کجه بنی کورن قیام  
 چشمی لبرباری عشقک صوطیا سندن قیام  
 دست و لبردن کور کجه بنی کورن قیام  
 شوی دست اولاد و مکه عا بنی کورن قیام  
 بک صا عشقکیت اید واده قیام  
 عقدن او فانه می بار کیم وفا سندن قیام  
 او شوم بنی عشقک قادی و لید یوانی  
 کو جو جیکن سکر الیه سندن قیام  
 او ملک سیم کور کجه بنی کورن قیام  
 هیچ کلا در انشیم هر بار سندن قیام  
 شمدی عصرت د لری هب سیم زرد خطی اید  
 کور و نیار عاشق سید غریب لری سوز اید

ایضا

اینا غمده ال سوزینه کوز مکور کور ایدر  
 عاز فاندن کوز لک هب جفا سندن قیام  
 سود بکیم باقی دوران اولور کوند کونه  
 دلک اسی بو غمده عشقک بینه بوز سوز مکه  
 منتظر در بو غمده عشقک بینه بوز سوز مکه  
 چشم کیم برین سوز مکه کیمزد ملک  
 دو غدی برین سوز مکه کیمزد ملک  
 کار بانیک بو غمده عشقک کور کونه کونه  
 بر بوزنک بو غمده عشقک کور کونه کونه  
 ماه جمالک حسنک زوق و صحنی  
 دلر باغبان لایمک زوق و صحنی  
 بر بیدر اولدی کندی او شاهک و صحنی  
 بر بیکادر دی عجب خوش بر یکا بار حسنی  
 چشم جانم قور قور کیم فان اولور کوند کونه

ایضا

غمیدر اولسه او شوخاک خور و غل از نیک سی  
 انس و جن خوش و طوبی بو غمده عشقک سی  
 در لطیف شهیدن وار صد هزاران نیک سی  
 عاقبت اول حویر سلطان اولور کوند کونه  
 ای در دنیا مست خیران ایلدی سودی  
 مبتلا در ده هجران ایلدی سودی  
 بر سر خجانه کفر ایلدی سودی  
 بغدی دلی شهرن بر لب ایلدی سودی  
 هجره یجینی سیه هم اولدی غمده کشتاد  
 حنه بر روی در و غم زحم اولدی ایداد  
 زلف طافت کوز منرا جاک بار واد  
 کوشه مخنک دران ایلدی سودی  
 چرخ کبر و عکسته دور انیمک هر مال  
 بونه حسنه سبن دردی بنی قال انیدی حال  
 کور غم برده امه سیک انیدی خلاص اولق حال

ایضا

آه اسیری بند زندان ایلدی سودی  
 ای غمده سر عنی سیه عالمه در ذک  
 حسنه ناری عشقک حلق المور سینه جاک  
 عقل فکوه اخبار کیدی فلام بر یاک  
 عاقبت غمده عشقک ان ایلدی سودی  
 بر لبی غمده بوزی کلور در ستن اشته بن  
 غار غمک غمده لب رار در ستن اشته بن  
 لبر یهل صلیح سنبل یکا غی بر کل  
 بر من بوس و خوش رفتار در ستن اشته بن  
 باینه بوز سوز و هب سوز در ستن اشته بن  
 نسکی بر عاشق دبداد در ستن اشته بن  
 صولی صبر و سلامت ملکه ناراج بد  
 کوز لری غمده سنی نانار در ستن اشته بن  
 بر اما نس غمده سنی شیدا دن بدل  
 باقی افر هاده مجنون شیدا دن بدل  
 عاشق صادق اکیم وار در ستن اشته بن

ایضا















[illegible][illegible]

فدیه ماچینیم سرورم  
کل افندیم سرورم سرورم  
عمری جاهی و د... افندیم بدم  
بخونه ای افندیم بن کناهم بدم  
سوزد ب... و... اولاد... بوزم  
بن کلافتون اولاد... بوزم  
فوزم مقصود و... اندم  
سکه بابل اولدم... اندم  
بنده بنده ای افندیم... اندم

قطعه غزل که عیادت عیوضه  
اگر باشد سرخیزد از غریزه  
دشمن سرخون کردن غریزه  
فراغت از کمر غریزه  
سرخوبه در سبزه ای غریزه  
نظمی بر سر غریزه

تظہیر  
بہت شد اس سیرت  
صفہ کو کند و خراب  
میں فرغت ایسے اول  
میں نہ دیکھیں اول

[illegible]



بسم الله الرحمن الرحيم  
سعادت بور جناب ماهی بحر و قنای کل  
وی کوزاک ملکات شاهجی بحر و قنای کل  
زمره نادانه طهار الیه نشر یفکی  
کاه با تسویه یقین کاه بحر و قنای کل  
بار غارم دلبرم جانم رفیقم همدم  
مکعبینم سرورم عموم ندیم محرم  
عشره یازم شیوه کارم شاه لوند  
که کلمات هم سازی هر هی بحر و قنای کل  
ست فریاده نیم یاد نوه نایق آمدن  
ناله بر تانیر تاسیر افق آمدن  
کل فندم کل مدد دیبایی لحاق آمدن  
در دمنده عاشقارک اهی بحر و قنای کل  
سرعتی بجان فی شادایت رقیب انبوت  
بقینه دانه عشقم و کل سبب غی عدد

کل جانم کل شهم کل بازه تلبینم کل مدد  
اولدن حیرانه شاه بحر و قنای کل  
ای نیم کاه قشام باکلم باکلم  
آریق و وشاری جانم باکلم باکلم  
کو با جان تنگ جدا و شنگ نیم سودیکم  
ای نیم روحی روانم باکلم باکلم  
کار کل ای غنچه دهن لطف الیه قبل عرض حال  
بر نفس جانم جفا قلمشاه ای سرور حال  
نایق نعت اخوت حقایق بکا اباه هلال  
برد خبی سر وی فدا نم باکلم باکلم  
هدیم ای کل بر کعبه قندی بلندیم صبحک  
صار بلا من تنه سببه بندم صبحک

اغلیاله فاد کوب کوزون افندم صبحک  
قال سلامت نوجوانم باکلم باکلم  
حسرتی فرقت الدان وادی فریاد الا مان  
بوخیه دمار بوخیه عالم لور صبلان و لیلان  
بو متحد سر غریب درد عشق کله بر نرمان  
غریب اولسون اشبانم باکلم باکلم

ای صبا اول بار وجه الفری کور کیم  
سوز لوی دزی جوهر کوهی کور کیم  
محنه وار د کیم با جبرین صور کیم  
کبار الیه عشره ابد اول بری کور کیم  
بوزمان چکدک یولنک محنت جور کیم  
بر سلام ارسال الیه می شد کور اولی وفا  
گاه اولور سیران ابد رسین عالمی قنای قنای  
بی وفالرد حقیقت سری کور کیم  
سوز غم قصابی وجوده و شدی انوت و نو  
تنگ اراد انور لخر کیک رگ نجانه یتر

طاش ند کلو اولسه سنکین نه اند اولد  
قاب ظالم و شن مشرب خجری کور کیم  
کلنه لی بو عالمه چکلمک سبب زنج تعب  
کار اقله نوکل قبل کور بود و اب  
کبیدن سود انمه مقصود ان بند کور کیم  
عرض حاجاه الیه وفی بحر کور کیم  
شمد کور کلم جان دلدن شاه عشقه بند  
هم دی اهی بند است سکنی کلخاند  
دیده سبب زیاده نایب اغری افکنده  
ای ضا صور اولور سه عموی کور کیم  
ای تبون دنیا ی بنیاد المین مولامد  
بوخیه مکنونات ایجاد المین مولامد  
دستی لطیفی فیه نیله بو وجودم شکری  
کعبه مقصودم آباد المین مولامد  
نار هجران ایچره دشم قلمی صبر و ازم  
روز شب بدستغاثم ایشیم تمام اولدی تمام



انتهی غم زده چینی با کتی ابدوب خرام  
ای خلیل ابراهیم داد المین مولامد  
دیک بو جلیل مست ایلوب مجیدی  
پای ابدوب فوز تلامه جیبین یغویی  
در دله بیت اخوند اخلدوب یغویی  
دیک سنان بو سنی باد المین مولامد  
دو چشم بر دره ناکاه ایاور فریاده  
مغ و لایمی یارون اولدی بر دم کشاد  
کاد سید قورقاروب اشو المین مولامد  
ای پنجه مخرونی دل شار المین مولامد  
فخر عالم سید الکونین سلطان عشقنه  
صواری کونر النی فرامبران عشقنه  
ویر بر اوین نیا ناک بو یار و غم عشقنه  
بو غم وین بکار المین مولامد  
یلمش حمامه کوروش با صحت عافیت  
آل ویش وخی دلدار صحت عافیت

ایرد و کمد زلف و شغفام ریش المیده  
هیج سوزم یوق اول بری رخسار صحت عافیت  
وجه باک اوزره جان اواسیه ابرورک  
کردنی کافورک اوزره دو کلوب کسیرک  
انتهی رخسارک اوزره چال غبرورک  
اعلایک سته سیمار صحت عافیت  
وصفا ابدوب سویی میاناک ایلدیم چو قیل  
عاشق بجان وصلک محال اند محال  
و کرا و گاه جانان ایدم بکون فام حلال  
کولچوسه غمزه خوشخواره صحت عافیت  
سر عقی اقتاده هرگز وصلین آرزو  
دامنی لطفا کیر میوه سته ای مآرو  
لب اورب دستینه الساک نازله برسه  
در سکا اولده دبل اواره صحت عافیت  
خفا المین سروی کبی روح روان اوج کونه  
صحت قیل نیکه که سوخی جهان اوج کونه

مب سنا بچوناندم بو بولاه فریان اولد و غم  
مجلس ارا اولایم قاشی کان اوج کونه  
کاشکی یک جانم اولیدی غم سزای مهلقا  
هر روی بخت با بکاه سنک فریان اولد  
خانه عشاقه تشرف ایلوب شاه نولا  
بانو وارین خان قام ای نو جوان اوج کونه  
و خنیاق نولدی سبب نیا که ای سیم بدین  
بو مشلد کیم یوراندی و کبی بر ایدن  
بن قولا کور کجه جانانم شنای انک ندن  
بر سلامه دلماک باری همان اوج کونه  
سر عقی هم سن شهی حوایه مایل اولشم  
طعن اغیار سینم سبب مقابل اولشم  
کوناه بیک ستم خفا جوریه قایل اولشم  
بانوله وصلکله اینسن شارمان اوج کونه  
ناستراء دلبری مناهم الدرد مدد  
زلف خمش بو غمزه غمازم الدرد مدد

بن بو عشقه هلاک اولم مقدر غم و غم  
هی یاز قلمو جفا شکیانم الدرد مدد  
قند کورسه مبتلا سین انکسار اولزاید  
قلعه چوری جفا سین لغیار اولزاید  
دکدر شاهلره صدک شکار اولزاید  
اوله بیا بی هما پروازم الدرد مدد  
ای فلک بلغم عجب بن تلوب نشد مسکا  
عافیت فیلک بنی اولان نه یقین جبا  
فانی اولد ملو صفالور بخیال اولد بکا  
نقد عمرم قدی سرورازم الدرد مدد  
سر عقی چون بکار اولدی دور فیک  
روز کارم عکس اسدی نلیوب نیشم کرک  
غیری شمدن صکره فریاد ابد تا خشرک  
هم نشینم هم هر ازم الدرد مدد  
ای نیم کاکل بریشام صفالور کلد و کز  
اصل مردم پاکد اما نم صفالور کلد و کز



عزني وصال انباك بكاءك زيارت زياده  
بعتي لعلاني كرم كام صفالركلد و كز  
جازه يوقاير سود بكم چون اشنا اولدم  
كلم كرم قيل اليه جور و جفا ايله وفا  
بود لي ديوانه سن لبرك ايله دوا  
حسنه ديل در دينه دو انم صفالركلد و كز  
من حطاد و صفالركلد سن اول حسن ياري  
ماز استغاثي ترك ايله بكم شدن كوي  
سنه افكنه كركلد و دانه بري  
ملك حسن شاه دور انم صفالركلد و كز  
سرتن مجاره ناك خالي ديكر كون اوله ايل  
چشم چون سرشك دست لطفك ايله سيل  
قاله البركشتي حسنك بوشيد اول  
ني جبال و در خندا انم صفالركلد و كز  
دست شير بلك مال او لغني بكم  
دست شير بلك بولك با بيمال او لغني بكم  
دست شير بلك بولك با بيمال او لغني بكم

مجلس جبه دماده جبه نوش انباك  
كوي دلبز انباك دماده جبه  
زني زانك كوي خالي بكم و عاشقه  
بنيكشت محرمي قوي وصال او لغني بكم  
كام لغني بكم لعل لكدن دلبرك  
موسبا چون اراده قبل وقال او لغني بكم  
خوب و صفالركلد اول اي شهر و جوي مثال  
خوش مقال او لغني بكم مو مثال او لغني بكم  
اينده هر كون قوبار دالارنها فونونه  
ماز لم يوسف كور كويان ليجان فونونه  
خفدي بارك جبال چون اخبار دن  
الاي ايله مرغبا سنك خارا فونونه  
راكلان فناد چيمني ايدن غبار  
روزگار ايله كيد و بر و در غنا فونونه  
دمنه سنك الو بكم هسار سنك انداز ايدر  
قوي و جويان مقدمك نقشه مهر فونونه

نجه كون يلش جبال اشك انجيك اولد و جوي  
كبر و دلبز انباك كوي دلبز انباك  
جبال اول افقي الد فني سنها فونونه  
صافور مابن كبر و راه شيار فونونه  
صبيحك اي فاخته سبوره افقا ايله  
چون كبر سن هر كجه بر سر و الا فونونه  
نچون اغلر سن فلكل فونونه  
كبر سن باره هله بر و بر و در غنا فونونه  
در ديشك و صفك شهر و فني كودي  
كيم صدف مجوعه سيني صالدي با فني سيني  
وخلوك شو قبله و داغ اندي با فني سيني  
بر اوج برك كل تر فوندي كوي فونونه  
افنام اسلاط انم بر سلام المش اول  
جوي كوز الو سود و بر اقراره المش اول

نجه كون يلش جبال اشك انجيك اولد و جوي  
كبر و دلبز انباك كوي دلبز انباك  
جبال اول افقي الد فني سنها فونونه  
صافور مابن كبر و راه شيار فونونه  
صبيحك اي فاخته سبوره افقا ايله  
چون كبر سن هر كجه بر سر و الا فونونه  
نچون اغلر سن فلكل فونونه  
كبر سن باره هله بر و بر و در غنا فونونه  
در ديشك و صفك شهر و فني كودي  
كيم صدف مجوعه سيني صالدي با فني سيني  
وخلوك شو قبله و داغ اندي با فني سيني  
بر اوج برك كل تر فوندي كوي فونونه  
افنام اسلاط انم بر سلام المش اول  
جوي كوز الو سود و بر اقراره المش اول  
افنام اسلاط انم بر سلام المش اول  
جوي كوز الو سود و بر اقراره المش اول  
افنام اسلاط انم بر سلام المش اول  
جوي كوز الو سود و بر اقراره المش اول







Handwritten text in Arabic script, likely a list or account, covering the left page. The text is written in a cursive style and is somewhat faded. It appears to be organized into several lines or paragraphs, though the specific content is difficult to discern due to the fading and the angle of the writing.

Handwritten text in Arabic script, likely a list or account, covering the right page. The text is written in a cursive style and is somewhat faded. It appears to be organized into several lines or paragraphs, though the specific content is difficult to discern due to the fading and the angle of the writing.



او هر وقتی بر کلمه دلم چون صقل  
سجده بند چمک بودی تا کام چون صقل

امید کام الیه دل بسته اوله بیو عالم  
فلت عشاق زلم محنت و لا اله الا الله صقل

کام خط مرو و داره چون امسال صقل  
کامل افطار بوس لعلی خشم چون صقل

چکر بانه بی امید بوس لعل الیه منجور  
میان بزم مبد نقل لعلین جا چون صقل

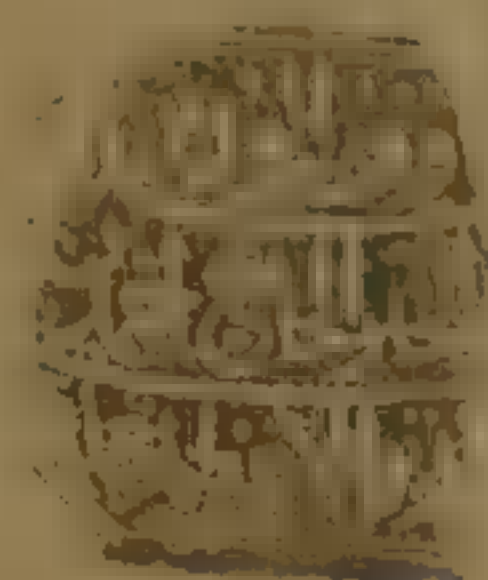
کمان پروا شوخت ناوله شانی هم  
هاتف و شینه سند فیضی استیلا چون صقل

جباب صطفی اشای توفیق کرم و  
فردن بند سن لطیفه استیلا چون صقل

کدر دن حفظ اوله ذاتی معرا و له دیده  
وجود یاکنی سلا انان اکرام چون صقل



72





غزل باغی افندی تاج مهران سلطان

زاله در کم کوینور کلاه نغان اوزره  
هب او کور شیلور در اقلدی بساط طهرضه  
افغشور اهل سنا حضرت به سلطان اوزره  
ما من طوسه نوا عالمه علوبه مالت  
سایه رحمت رخا اوله انسا اوزره  
بونا کاشتنک غار خستدن کوخرو  
فورد بر بار کن رضوضه وضوان اوزره  
آین کور سوخا کن الی وضوان  
دوشیکخا و ایکه عرقه عفرین اوزره  
سیر صلیشدی سابه فضل و لسان  
شکبه ی عاضدن جیل بنیان اوزره  
انگلک ای جیل بنیان غیر بنیان انگلک  
یاد ایدوب نعت سلطان فر آوان انگلک  
عبد یقیشدی دوشون بنه قصیر ابون  
جعقوب ابون سعادتده بیور سن سلطان  
در درگاه غره ایلیو اشرف کبار  
اشک خا کنه بوز سون کلسو اعیان  
حاله سلطان دیو کانه شایخندان  
کلسون اول لطف کرد مار هب جرم دن  
افغول بنیال اولدی بود مار هب جرم دن  
طور مدی شکسته دور ایلیو جرم دن

ایضا

کلوب لصاب سیر کرده سینه کوریمک  
فتح سلطان دیو افلاک لرشون افغان  
نه خطا ایملک یار کج انداز فلک  
مردمی دبدی دور ان طوقدی بیکان  
مدد الله مدد معون عنایت سندن  
بوفراق تشنه دو بیکه طکت سندن  
بر بر جمع اولم جاسر غر و نلرله  
زار زار اغلشلم دبدی زمانه شمه  
کلنک او سننک کندی زمانه شمه  
حاضر سولیشلم حاله دگر کوتلرله  
شوبله بیکوشن حراب ایلیو افسانه غم  
عقار باشمن کلیده افسونلرله  
نقد وقت اولدی بن اشک سفیدوخ  
در غیظا لیوز افجه والتونلرله  
نعت رحمت وضوانه نیشک اوزره  
بر جگر حوی نر بوند جگر حو اوزره  
فوندی صحنه حینه رضوضه وضوان اوزره  
سایا نلر قور لبوب جرم اوزره  
فونسنده اشک حنانه اوزره  
خولر شود دور اطللس اوزره  
منت الله کمال کرد ربانی  
ایلیو ایکی جهانده دوشی ازانی

ایضا

لایق غفر حضرت غفار اوزره  
دولت نامتک هیبه سیر اوزره  
خلعت فاخره بی امن غفره سزار  
روح پاکیده غزلت دبدی اوزره  
سوقه پاکین ایدوب شمع هدایت رشن  
شکبه طهری مشغرف انوار اوزره  
عاقبت یوقلن آیش کاجلای اوزره  
نده لوشا جویان تخت جهان اوزره  
دخی او خیر سعادت اکبر اوزره  
جشنه ناهید کبی روشن بید اوزره  
آب نلر حوض حضرت نغان اوزره  
مظلمه ی لطف حد اوند جهان اوزره  
اف کل غنچه لری کی کوزل اوزره  
غار از اردن الله نکهدار اوزره  
غرقه رحمت اول روح روان سلطان  
حور لمونس اوله کاشن فردوس مکان

جای سنا پیش اولور ضمه جویانی غانی  
ایله قند عمارت بخوابی ابولینه  
منزله اوار بار کخته سینه اوزره  
سبح رعت بری غن ایلیم بوزرینه  
فلک نعت لوزیه منتون اوله  
نیجه میسنه کوریدر بوسه ای غانی  
دشمن اهل کرم در فلک سفله نواز  
کوز کوه تشنه او شکر اوزره  
ان بابن کید برفت سوز فکری  
برن نیلور قور دوندی کور غنینه  
فانی اول کور قصه سعادت کوریه  
فنی بارک لطف کور سلطانیه  
فنی اولدرو دلفوز سعادت کوریه  
فنی اول کور ایا بیزوت کوریه  
مهر و ماه فلک بخت سعادت سلطان  
شمع ابون سینه اوزره  
ابن انکه نغیر باغ کلسان اوزره  
قطره کرم دکلور سیر بنیان اوزره  
جور کیم کور دوش صحنه اوزره

ایضا







غزل علمی

گویند وارد کعبه سیر الملك جانان یوف  
استان شویله جانان یوف

مکمل میسکانه نایب تشبه اید  
طوبی لعل جلال اولشاک آتایان یوف  
خانماتن یار ویرش یارین الدن قریب  
مبتدل کورد دیر یو یارده اصله شان یوف

دلچسپا لک شمع و شمع مد و یون دینه  
اول طیب جانیه بقوت بیگ سگاد ران یوف

در همد بران نرد لار سورساک علنا  
عاشقی دلدان اولور سن و صلنه امکان یوف

عاشق اولور من الله کلام لونه  
برادک بکورتد من الله کلام لونه

سود من الله کلام لونه  
سود من الله کلام لونه

زند ان اولدی بکا اشیقو فاکلر  
اغوا اولدی بکا دور لو بکلمر ملکدر  
بکا دور لو بکلمر ملکدر  
بکا دور لو بکلمر ملکدر

کورت بکلمر ملکدر  
دور بکلمر ملکدر  
بکا دور لو بکلمر ملکدر

غزل  
عشق لاله عاشق اولور دیر و ای نیلسون  
درد لاله عاشق اولور دیر و ای نیلسون

شاه عزت بلور کینشکند قوتی  
اول شمشیر عالی چناب من کدای نیلسون

هیچ اولور می اکلنه تیرک دل ویرانده  
شاه عالی منت کوفته سیر نیلسون

روبان الدنور می عاشقی ثابت قلم  
عشق لاله اولور غیر قیام نیلسون

هوی میسندن عیبیک فان شمشیر لکین  
سالت لاله فنا غیری قیام نیلسون

بیت  
همانکه فایک اوزک کلند قنته لور  
فانک من ابد ای قنته آخیر ماند یوف

قطعه

بیضه زانغی موسک طاور و سه  
جنتی طوا ایچیده آکیرده ایلسک

نغمی جنته آب کوزله پلسله سک  
زانغ درید اولان سیک دور و ندر ایلسک

عزیز افی  
عاطیه محرومی بقدی بو کون بری دخی  
کویا خنجر اوز و جانیه کورد بری دخی

حالی خونی بر خیشان لیل بری دخی  
یار بی بی پر غم ایلمی پر غم ایله انی سن

کوزین لک بو تاش اوله خاق نریشنه  
صفت بکده باور اوله طیه آشینده بر شیده

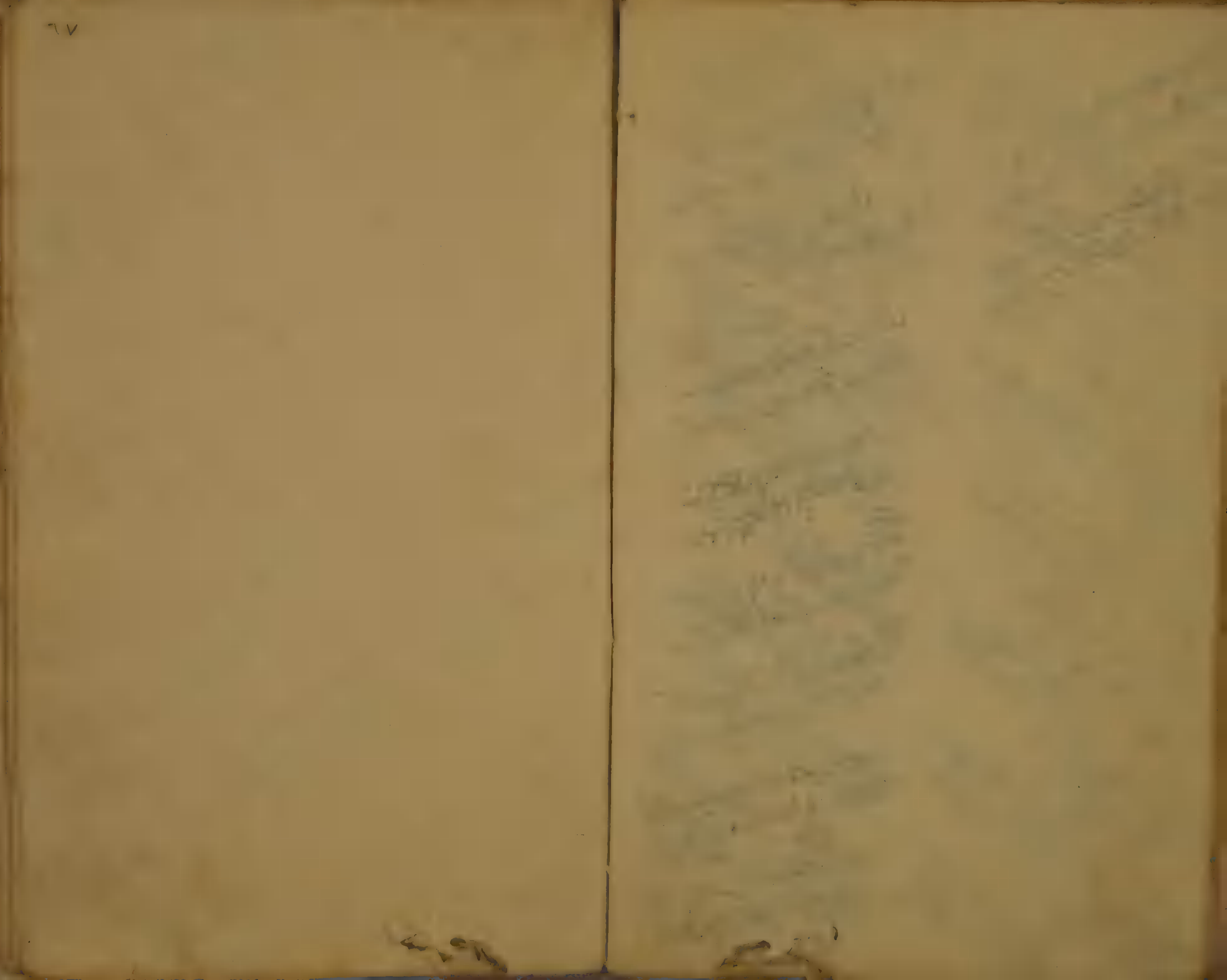
کوتدودر دنده کوز که آشینده بر شیده  
یار بی بی پر غم ایلمی پر غم ایله انی سن

بند بلم صوچو کی خلقه بنده نلده  
ای فلک بن در دوند اولو مسته سوچی الده

اول نیم بختن باشی تقدیر لاش نلده  
یار بی بی پر غم ایلمی پر غم ایله انی سن

ای فلک سورساک کل سوزده وارن سوز  
بوسوی دیلور کل سوز ایچیده جانیه  
رفعه نهکی الی سوله هیضال استک  
یار بی بی پر غم ایلمی پر غم ایله انی سن











موتلو عاقلو والد غزیر  
الحاتم حضرت یزید و کمال الداب  
ایله روی اشتیاق فرموده فلنوب لارمه ذمت حلوصا نمر اولان  
دعای دوام عمر و ولیری او را دینه صبح و مسافر ای دور که حضرت حق و فیض  
معص بندة وقت دیه و ولیری او را دینه صبح و مسافر ای دور که حضرت حق و فیض  
مطلق جل شانہ سرایه غرود و ولیری او را دینه صبح و مسافر ای دور که حضرت حق و فیض  
ونو ایل عاقلو و سلاست و اقلری بنقسطا سنج و غریب از یاور کلبه حمائم  
همیشه سخت و سلاست و اقلری بنقسطا سنج و غریب از یاور کلبه حمائم  
ساز یلراند مجبولة اولان مزید شفقت و اقلری بنقسطا سنج و غریب از یاور کلبه حمائم  
و حریف بالشتیاق قنبله لری احوالک سوا الشریف سزاو از و از یاور کلبه حمائم  
حدا وجود خلق الود میامن دعای خیر حاجت بیاد کلام رب العالمین قریبا جبر السیله مشرف ملا فانیله  
افتر قلوبی دل خرمی شیز از و صید خجسته بیاد کلام رب العالمین قریبا جبر السیله مشرف ملا فانیله  
اینکس جان نانو انمزی یاد و که محتاج بیاد کلام رب العالمین قریبا جبر السیله مشرف ملا فانیله  
مشرف یاد و که محتاج بیاد کلام رب العالمین قریبا جبر السیله مشرف ملا فانیله  
امین بونیک لری وقت سنای بخشا لری در و دعای خیر یلراند و دلشاد بوی ماری نیاز انور  
ایلد و غزیر بام سلاست و اقلری بنقسطا سنج و غریب از یاور کلبه حمائم







تذکرہ فیضی

تغزل بر صبی  
ای نعل بخشنا تو صفا از ملک  
فدایی نازک کوز لعل پادشاه و دروم  
که بندد زار و فغاندم

حقوق و نایب  
بوجای حسنات ابدی  
آمین

عاشق منو احسان  
بوفقد حستان  
از این حستان  
بنام منور

عاشق من حسنک  
بوفتد و حسنک  
بن خیر مالک  
ایضا این حسنک  
از آن عشقه

یا اطفای آب و انوار  
عالمک فخری محمد مصطفی

او ففتح ما را بر بگو  
بن نیازمند سکا و با که لطفاً  
فعل کل اقد و سن بگو  
فاسن بگو

بور فغیرہ  
نظریہ

۱۲۵

ایضا نور و روشن شد  
بوالمدن غم و فضاوت بار غار و درو  
فیجی چو قلندر منی  
غزل منی  
الحوش شد

فیه خوف و غم  
عزیزان او را خوشتر  
از این دنیا و شاهش در  
همین اولی بخشید  
افند بادشاهش در  
و خطبه افندی بنام  
المنبری بنامند  
خوشتر

عجباً او افتد  
و خطبه  
جوف فاند و عجباً ان نیری بنانند  
عجباً نازک مزاج ناز پر و خوشتر  
عجباً نازک مزاج ناز پر و خوشتر

کرمه جوقه ایام افندی  
بر خبر کله ایام افندی  
خیزان اولور جوقه  
خیزان اولور جوقه

لو مکتبہ کلاسیک  
برخی خبرت کلاسیک  
مکتبہ النبی کریم خان اول و جلد دوم  
مکتبہ نازک ناز و جلد دوم  
مکتبہ نازک ناز و جلد دوم

عجباً نازک  
کل نخله افند و پاکه الطغبر کرد  
موجمت قبل باصفائک عشق مندا کرد  
اسون افند و بر کرد

من جناب قبل با جفا  
ایچون آفند بر کس  
غشقه عین از بر و خوشد  
میانان از  
رضا

رضا

ایضا

ایضا  
کل فعیه کر قبل او خدا ناک عشقه  
تا امان فخری محمد شاه سلطان عشقه  
از عشقه

عجباً نازانک مناجات از پرورشده

بیت  
اگر چه من بگویم  
بر زاهدان و ایدک  
که در اصول آبدار سن افروز  
آفتاب حاصل آید  
لایت کل حکم

کتاب بین  
کل مقید اولو بن لطفک حصون کل یکم  
زیر اللفه کبد کرم لطفک یکم

زير از القلم  
 بيت  
 بن بلور و سنکیم  
 بيت  
 بن بلور و سنکیم

بیت  
و اما بوی که از این شانه از نسج حکم  
بوی می دهد

نہ



الحمد لله

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله الذي هدانا لهذا  
ما كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله

والحمد لله الذي هدانا لهذا  
ما كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله

والحمد لله الذي هدانا لهذا  
ما كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله

والحمد لله الذي هدانا لهذا  
ما كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله

والحمد لله الذي هدانا لهذا  
ما كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله

والحمد لله الذي هدانا لهذا  
ما كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله

والحمد لله الذي هدانا لهذا  
ما كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله

الحمد لله

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله الذي هدانا لهذا

ما كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله

والحمد لله الذي هدانا لهذا  
ما كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله

والحمد لله الذي هدانا لهذا  
ما كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله

والحمد لله الذي هدانا لهذا  
ما كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله

والحمد لله الذي هدانا لهذا  
ما كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله

والحمد لله الذي هدانا لهذا  
ما كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله

والحمد لله الذي هدانا لهذا  
ما كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله

والحمد لله الذي هدانا لهذا  
ما كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله



لحم در مقابل باطار

زهی نتر ختی کا ندن کلور و ابر اولور  
نهی طمت ظه و برادر کوی انوار اولور بیدا

نه سحر و العبد یرکم او یوز دن کور ستور غیار  
او یوز دن غیری توق تنها کلور د لدار اولور بیدا

جمالی ظاهر اولسه نتر جلالی باقلا رانی  
ضامن بر کل اجلسه یا ننده حار اولور بیدا

ولی عارف جلالی بحره جلیفی کور رد ام  
بو خارستانک ایچنده اکا کلزار اولور بیدا

نه سرد یرکم ایلی کسه نظر ایلر بو اکوانه  
بر انحق کور یاری بو دیار اولور بیدا

بوسر دندر که بر عارق ظه و استسه بو عالمده  
کیمی اقرار ایدر ای کیمه اکار اولور بیدا

الان لذاتی بر لکدن خلاص اولدی ایلک کده  
بو مصوی قدیم بقیسه همان د لدار اولور بیدا





بنیت  
بوغزل جو غزلد بوغزلیک د کلامتیکم  
غزلد جو غزلد کلامه انصافیتیکم  
غزلد فغنی

بیر موزیله جو لهر سو لهر د کلامتیکم  
دایر نیدن چغین بنی کوهری د کلامتیکم

بولطافله موزی غازی د کلامتیکم  
بوغزلیک و فوکلکد جوهرین د کلامتیکم

بوغزلیک و فوکلکد جوهرین د کلامتیکم  
بوغزلیک و فوکلکد جوهرین د کلامتیکم

بوغزلیک و فوکلکد جوهرین د کلامتیکم  
بوغزلیک و فوکلکد جوهرین د کلامتیکم

بوغزلیک و فوکلکد جوهرین د کلامتیکم  
بوغزلیک و فوکلکد جوهرین د کلامتیکم

بوغزلیک و فوکلکد جوهرین د کلامتیکم  
بوغزلیک و فوکلکد جوهرین د کلامتیکم

ایضا

بوغزلیک و فوکلکد جوهرین د کلامتیکم  
بوغزلیک و فوکلکد جوهرین د کلامتیکم

بوغزلیک و فوکلکد جوهرین د کلامتیکم  
بوغزلیک و فوکلکد جوهرین د کلامتیکم

بوغزلیک و فوکلکد جوهرین د کلامتیکم  
بوغزلیک و فوکلکد جوهرین د کلامتیکم

بوغزلیک و فوکلکد جوهرین د کلامتیکم  
بوغزلیک و فوکلکد جوهرین د کلامتیکم

بوغزلیک و فوکلکد جوهرین د کلامتیکم  
بوغزلیک و فوکلکد جوهرین د کلامتیکم

بوغزلیک و فوکلکد جوهرین د کلامتیکم  
بوغزلیک و فوکلکد جوهرین د کلامتیکم

بوغزلیک و فوکلکد جوهرین د کلامتیکم  
بوغزلیک و فوکلکد جوهرین د کلامتیکم

ایضا

ایضا

نغمی پروریت از الموده بیکه  
طاووسه قطبیکه اولان بیکه ندیر لیلیک  
نت

بیت  
از اقبال خرم قصید فوفا  
فان القول انا قالت خرم  
بیت غن

بیت  
لغزت موحشا طلال قدیم  
بیت

بیت  
عفا کل اسهم مستدیم  
بیت

بیت  
نه مکدر وفا او تو فحمانک و فاسند  
بیت

بیت  
محبی ضاقت بیکد کشینک افرایند  
بیت

بیت  
تقدیر خد ابولله امشنگه ارلدن  
بیت

بیت غزی  
شما مشکدر عالمده کتابت  
هسان الخط ما بقدر انحراف  
بیت غزی

بیت غزی  
جراحات السنان لهلنیام  
ولا یلنیام ما جرح اللسان  
بیت غزی

بیت غزی  
جراحات السنان  
ولا یلنیام ما جرح اللسان  
بیت غزی

بیت غزی  
عفا کل اسهم مستدیم  
بیت

بیت غزی  
نه مکدر وفا او تو فحمانک و فاسند  
بیت

بیت غزی  
محبی ضاقت بیکد کشینک افرایند  
بیت

عایی پتای ماه جاهه اجد  
اولوب داماد شه سلطانه



جای ایشان و موضوعاتی فای  
ایلم فی سعادۃ و احسن ابوابی



بعض علماء معتزلة من مقلد ركب طهارت و حوز و قلب ابد و فن  
برگزیده اوفیه حاجتی مقصودی اول خصوصاً ظلم علی بنی و دفع اثمه غایت مجتهد

شدي و مني  
 قد اذن لي ملك بالبيع  
 و السلام للبلد  
 حتى يغيب ابو  
 و سحر الجوع نجي  
 فاذا لجأ الي  
 و فريد مولانا جلد  
 الانفس المبيع  
 لروح محمد ايد  
 ولها روح جنة الاباح  
 فاقصد حيا و  
 فلو نبي فاض للمحب  
 بحدود الجوع من الامم  
 و الخاف جميع في يدك  
 فزودهم و فزودهم  
 و زودهم و فزودهم  
 فكلون من التباقي و  
 ما جئت الي تلك الفجع  
 ايضا

ابن

[illegible]







نزل

بهاکت اولدم ندر جان بدو قند جالقد  
نه اولمیدر اولمیدر از لدم نشناختد

بلا بخت بد غرق اولدم نشناختد ای حصدور انم  
بو کوزم بختی سلمات ویدر ویدر لقا

بکباب اولدم جان بختی کفرش انصاف  
بن اولدم بی نیم عمرم ندر بیوفا لقا

صفین مظلومک اندر بختی بدو لقا  
احمد هم بختی تکبر بختی بدو لقا

صحبین غشدر آفتاب بختی بدو لقا  
نیز چون مسکت بر دند اضداد لقا

که کز نیک و بد کند  
هر چه کند بخود کند

روح سحر

مجموع الحاح بنوعی  
لولاک کشف کلونی منی منی عدم

انت الشقیع جاکل شفاعت  
یا خاتم الرساله یا بید الامم

او در خلیلی طلبیدن شغلی  
ایستک شغلی که مکنده اولدم

م

قطعه

نظم فسلم نمانده صاف و رسم نماند  
مکر دو فانی دوزیاده که اردن کرامت

الدنه لاک کرب بودم فور خمد  
نیز فاکل نغمه ی فنی که نماند

م







قطعه  
بوی کورش بوی خوش بوی دوزان اول  
فلک خاکید یکسان اول

خاطر اهل دلی اول ایدر خراب  
نمندن بعلوب اولدنی ویران اول

قطعه  
فلک بد اهل دلی ببال ایدوب نید  
دلی سکندی مجال ایدوب نید  
وصالی جوعی نیکان ایدوب نید  
بولبدین اب ببال ایدوب نید

وز  
چاک اندکی حال وقت دامن صبری  
دست سنده فالیدر بیان الخدم  
م

تعبیه  
بوی کورش بوی خوش بوی دوزان اول  
بوی فاله بود و هم دخی یکسان اول

اهل طبع مغارف اولدنی خراب  
سکر کنندن فالوب ویران اول  
سکر کنندن فالوب ویران اول

شده عصک بوی ایدوب نید  
ب نازیده انک هم بایان بون  
بوقله اند ایدوب نید بون  
نازیده انک اول جوبد بایان بون

ایدرین قلدن خراب  
بوقله بون انک لره عهد بایان بون  
ایضا

قطعه  
بوی کورش بوی خوش بوی دوزان اول  
فلک خاکید یکسان اول

خاطر اهل دلی اول ایدر خراب  
نمندن بعلوب اولدنی ویران اول

قطعه  
فلک بد اهل دلی ببال ایدوب نید  
دلی سکندی مجال ایدوب نید  
وصالی جوعی نیکان ایدوب نید  
بولبدین اب ببال ایدوب نید

وز  
چاک اندکی حال وقت دامن صبری  
دست سنده فالیدر بیان الخدم  
م







هذا شعر محمد بن عبد الله

فلولا ولولا النما كان لك كانا  
فانا عبد خفا وان الله مولانا

وانا عينه فاعلم انما قلت انسانا  
فلا تحجب انسان فقد عطاك هاما

فكن خفا وكن خلقا تكن بالله حاما  
وغد خلقه منه تكن روحا ورجاما

فاعطيناه ما يبدي ويخفي واعطنا  
فضا الامم فسونا باياه وانا انا

فاحياه الله يدي بقلب جبين احبانا  
فكنافيه اكونا واعيانا وانما انا

وليس بدائم فبيننا  
الخبائنا

محمد بن عبد الله

اقلوني باثقاني ان في قلبي حياي  
وحياي في ثيابي وسماي في حياي

اقلوني واحرفون بعظام الباليات  
تجدوا من حبيبي في طواي الباليات

طالب ندلم يا رب اغيار بر اولمش  
فوضت اموري وتوكلت على الله

جكه كلامك اول ربه كرامك  
لا اعلا جبر ندلم يا رب اغيار بر اولمش



Handwritten text in Arabic script, likely a manuscript or letter, covering the left page. The text is dense and written in a cursive style.

Blank page with faint, illegible markings, likely the reverse side of the document or a separator page.



[illegible]



الحمد لله  
الذي هدانا لهذا  
ما كنا لنهتدي لولا  
هدى الله لنا

الحمد لله  
الذي هدانا لهذا  
ما كنا لنهتدي لولا  
هدى الله لنا

الحمد لله  
الذي هدانا لهذا  
ما كنا لنهتدي لولا  
هدى الله لنا  
الحمد لله  
الذي هدانا لهذا  
ما كنا لنهتدي لولا  
هدى الله لنا



قطعه

بعد المخلص والاشواق  
بودر آنها پسندید مشتاق

اکا و لزا به رحمت و کفایت  
قله سر شمل بجای زلزله نشین

نظیر  
دل والله زنده و زحمت  
قله سر شمل بجای زلزله نشین

فرد

چند بود حسن ناظری ظاهری  
بر اصفیر یوسف یکیشی دیوانه

فرد  
کسنان غمک بلبلی آتش نو در هب  
انکچون کولری بزیر دة تاب هو در هب

التم تقبل جانبیه مطاع و صلت امانا  
مشام جان بوی کا علی با د هو در هب

دار حسرت در بود نیا اغله دیم از راز  
کوز یا شبیه ابار لغن بجزای پرو در

دار لغی بکوی جهانک بر اور مجک آغنه  
چون ادا می بر نفس ابدی تا واد

می بیند  
احی احمد طاعتک و دجله الجنة برکت



نقل

عجب باب و از چقدر به خال پشتم سر به سرش حکیمش در دور حضور از افق  
که بچوب محمد و اولاد نبی او در پشتم خود کنی فرستد نیم خال به پشتم  
بنافهمم که الله در نظام در پشتم که الطافی حکومش نطفه بن بود اللهم  
خدا نیم حکیمش در دور و در پشتم و غیره علی الله منک شکرک یون اللهم  
رفعین ابد و ب نصیب فیقین بود اللهم  
دو هم فلبه خداوندی او که احواله یارین خفک حضور نزد خال به پشتم  
مدد ابد بکار نیم او در پشتم احواله  
سر عظام حکیمش در پشتم جدا احواله  
بکالطف اینست نیم به پشتم خال به پشتم  
که زرقانی زین حکیمش در پشتم جدا از افق  
فوق ذکره و درین از افق

م



تاریخ وفات اهل و عیال فوزی افتد رحمه الله تعالی

دبایم حمد ابدی ای فوزی تاریخ  
حفظ کنند توکم الحمد لله  
۱۰۸۹

بیا سبیل کلوب قاصد سجده  
دیدی وضع فلک کن اولساک آگاه

دبایم خبر اوله دیدی خبر در لیک  
ممالیک و بیانات کنایه هب آگاه

دبایم آه ابله ترک ادب  
قضا در اضیون حکم الله

بنانک رفتی نوع مستند  
ممالیکی تعویض البرا لله

دیدی مملکت کنایه شملی  
بر او غلات فالدی هفت ماهه چو شایه

قصیده نایم ابی تاج

دولت عظمای ایران کن کلوب ورم مملکت  
عمرای بشید این مملکت بود دولت علیای این  
بوهایون وقت و حرم فصل و معون روزگار  
کیمکه بیدم دولت آمال این الای این

ماه مولود شرف زای رسول الله ایدی  
اولکی اعلای اولدی قرب حقه اوادی این  
بومبارک آید اول فخر الرسل خرام  
عرشه دنیا به کلش شوکت و الای این

چونکی استانبولک دنیا به جدید هر ایدی  
بنک بود دنیا به کلام اول مبارک ای این  
چون مصادف دوشدی یام و رودم اولایه  
بن دخی فخر ایلام بو معنی دوشد دنیا به این

وآردات غیبک کل اجدادی خاطر  
عالمی کلزاد قلندوم طبع معنی زای این

یای فصلک قیش اولدی بر کل و یاری بو  
شهر استانبولک کیری نایم ابی تاج ای این م



ای خط ریاض چهره ده سنبال میسن نه سن  
 بر چاه میسن بنفشه میسن کلیسن نه سن  
 سرگرم عشق خلق ایدن باشد کرد و دان  
 طول امل نتیجه سیی کامل میسن نه سن  
 قیوم کوزوم شیطا طوته حسنی کشوریسن  
 ای زلف سن آره ده قراول میسن نه سن  
 مست شراب لذت ایدن عقایی محو ایدن  
 کل صیوئی آب حلیه میسن کل میسن نه سن  
 ای صبر کشورین طوتان عالمی بقان  
 تاب و توان بلا سیی تغافل میسن نه سن  
 مدبر دباغی لیلی قرشود طودان  
 ای خدمت خاهی یساوول میسن نه سن  
 نامی نه سور و دروغزل صالیدی عالمه  
 کلزار ملک روم انجند بلبل میسن نه سن

ای طره باغ حنک سنبال میسن نه سن  
 زلفی نگار یوغسه قرقل میسن نه سن  
 ای خال با سببا میسن سن او کرد و ناک  
 کافور انجند حبه قلفل میسن نه سن  
 ابرو لوازده بردی صارقوب کور غنک  
 ای کامل لث تاب سیرل میسن نه سن  
 ای خط سگله حسن رخ و لب کشاده در  
 سن شارح کتاب کل و مل میسن نه سن  
 ای هر یک چهره هله بن فرقتک عاجزم  
 کلنبه یاکه سرخ یا کل کل میسن نه سن  
 لطف اید مش سول اول قد بالامه شفر  
 کل کل نقش امانه بحال میسن نه سن  
 فریاد ای کرشمه امان ای نگاه امان  
 زهر خرد بلای تحمل میسن نه سن  
 خوشتر تکرر که دله ای لهجه زینم  
 بلغم کلوی شیشه ده قلفل میسن نه سن

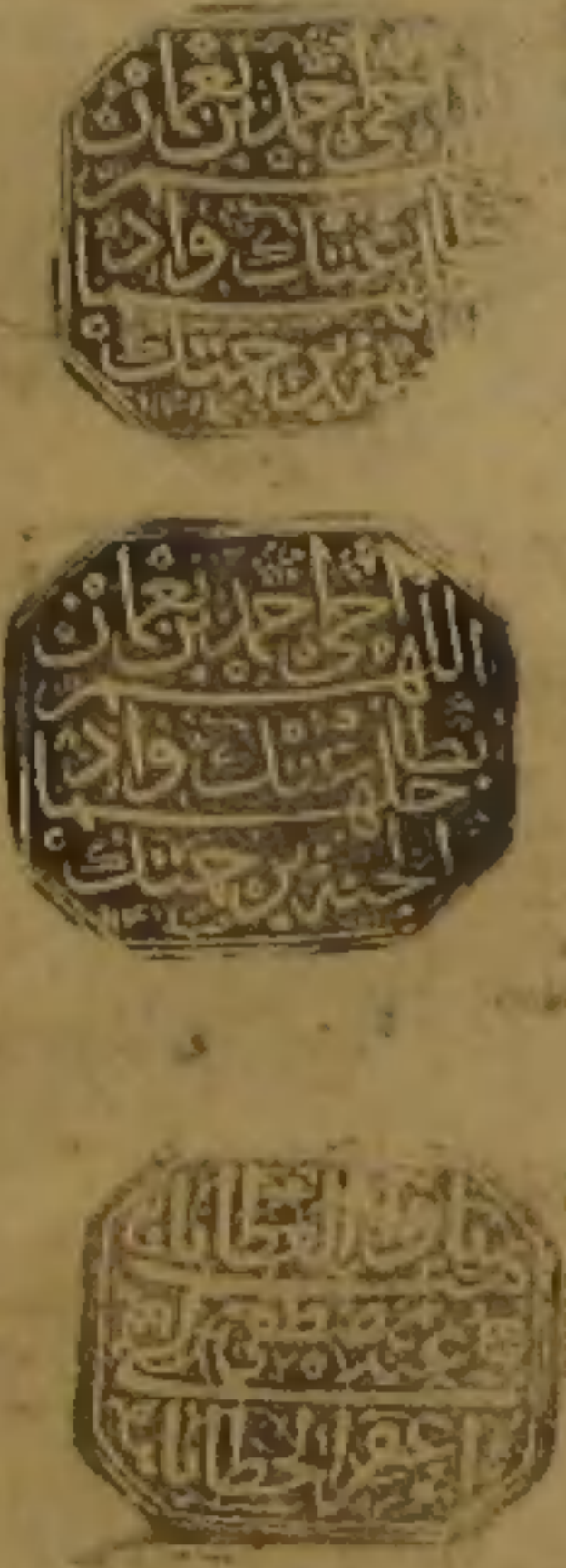


قطره نیر با صفت شاه خانه کو در ورق بلادی اسلام ملک اطراف دی را قهری  
 بی نظیر استعاره سلطان ارسلان ایادی اسلام اشعارین کور بخند دیدی بوانظار حق  
 صانیدی بوندی بوقدر عرف عجمک عرفان طبع پیرین کور بخند دیدی بونظر مثل ورق  
 کنیدی بدین کشتی نشاء اشعار کج کل کل بری تریچه ویدله فرشته بقعه عرشه بق  
 بولق استر سک بر حال وون کا اولها آنلر اسرار علینک آینه کدر خوشه بق  
 باقمه او هام خیاله جام عشق الاله اوله زرق دیری کور که بق کل که بق  
 امله قجه بوسه یار باد آمله اغریکه لذتینی بوطرسون سوز می طوت با که بق  
 بحر باد ووب بولور که ذوق عالم اولی جرعه نه مستعد اول طوت کا طاهر طوطی  
 بارک الله شاهما حاقانه اتدک انقیاد قدیری ار توره مولی جانله سلطان بق  
 بونقوشک ظاهری اس باس کور نور حوله باطنی کور طویدر از یا ورمده حق  
 بولام شینه منکبدر درک مامیر شینار عتقک معیندر آنلر کل السبق  
 حق رضا سحرین یاوب بختی صدر النجات ایادی بر خاری کور کنیدی کلمات  
 عصمه قل مؤبد بختی نه نک بانسنی دخی حاقانله شیشه دور سوز ورنه  
 غایت حمیده دیدی هاتق تارخی کل حسینیه حسن و حسن امج ما الحیا  
 س ۲۴

جامعت اهل من نه اثلتنه ولم اغتسل فی ذلک الیوم رمدا  
 وکنت صیغ الجسیم ثامن والماء وعلیه قسنت الجماعة مسجدا  
 ویا دعت هذا الامتهدا  
 حلی علی دین القشیر احما

لا ترفع اقدامک لمن لا یعرف اقدارک

من کان حق له مادحا  
 حق علیه الناس ان یمدحوه  
 ذنوبی کسوم البعل هو اکثر  
 اصغر مثل الجبال بل هو اکثر  
 لکن عند الکرم ان لعنسا  
 مثل عضوا الذبابل هو اصغر  
 قلب الجاهل فی فیه ان العاقل فی قلبه



را الهی فلیبق دله مستند محقق خلاف دله



بعض انشایه د اثر اخنیا و لولافند با زلف مناسبت ملودر  
 مخبر صادق و صدور اید و یشیب ابن آدم و یشیب فیه  
 خصلت و الحس و طولی لامل حدیث شریفی مقتضای  
 غرضک لازم بتنی اولان طولی ملحق مشنترک قوای  
 متجمله دن اخذ و قوای دد که به دزن و قوای حافظ  
 محفوظ و مستقر قلین همت الی حال نقلع الی حال و علو  
 الهیة من لا یمان حدیث شریفی موجب د کبر نیاز موفقت  
 یا ذیلور



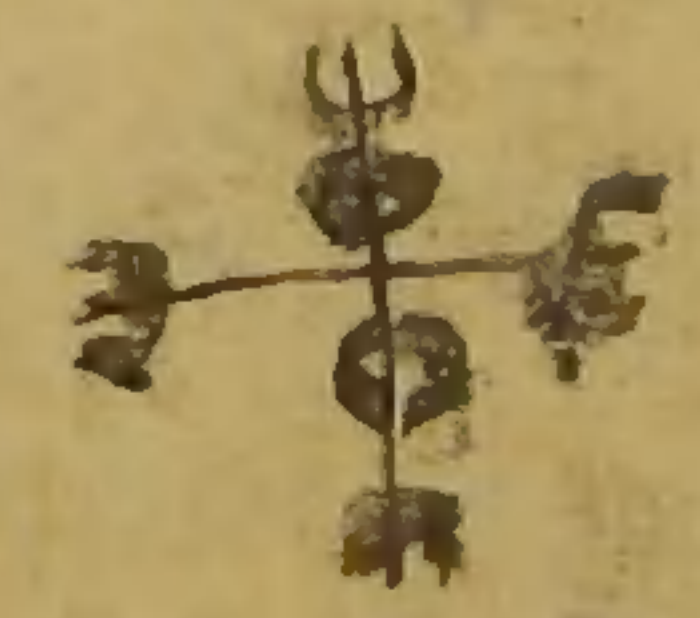
۴۵۴



بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم ان كنت كتبنا سعداء فاثبتنا  
وان كنت كتبنا اشقياء فاحسننا  
واكتبنا سعداء فانك تعلم ما نشاء  
وتثبت وعندك أم الكتاب  
برأت كجه سي او قنا جو دعادر

*[Faint, illegible handwritten text in a cursive script, likely a continuation of the prayer or a commentary.]*



بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم